

برای بررسی در کمیسیون برنامه

پیش نویس طرح برنامه
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیش نویس طرح برنامه

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آذر ۱۳۶۶

فصل اول
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حسین فدائیان خلق ایران در سالهای دهه ۳۰ درمدا، سردادنگا سوری رژیم شاه
سیانگده شد.

در این سالها نظام اقتصادی - اجتماعی کشور عمیرات عمده ای را بساز می گذاشت که
رسدنیان سازمان بر مبنای تعریف نلسه ساله ای مافیل سرمایه داری و تشدید و استی همسه
شون کشوره! میریالیم عمده ترین آنها بود. طی این سالها، که با تشدید دنگا سوری شاه همراه
بود، در معروف حسین خدا میریالیمتی - دموکراتیک ایران دکر کوسپهای تازه ای بدیدا رشتند؛ از
ک سوکراسین خدا میریالیمتی و دامنه مخالفت حزبهای اطلاع طلب سوزواری - ظنی با رژیم
دنگا سوری شاه کاستی می گرفت و بعضی و سایر آن در حسین خدا میریالیمتی دموکراتیک کمتر
می شد. ارسوی دکر حسین خدا میریالیمتی و دموکراتیک کشورا بیوستن نیروهای تازه ای سه
صوف آن نفوست می گردیدند.

با تحول در آرایش طبقاتی جامعه، سوزده با کسرتن طبقه کارگر و توده روشنفکران، با تشدید
نفاذهای ناشی از رشدنیان سرمایه داری وابسته و سزاحت تا نکرک میا سپهای سوسیا لیم و
اوج گیری حسپهای انقلابی خلفها در حبان، زمینه مساعدی برای طلب سل تازه ای از انقلابیون
ایران سوی مارکسیسم و پذیرش حقانیت سوسیا لیم فراهم آمد. ضعف بیشا هنک طبقه کارگر ایران
که مانع حضور فعال و موثر او در جامعه بود، و سیر رشد کف و اختلاف در حشش کموسیتستی و کارگری در
حبان، روند شکل گیری دیدگاههای فعالین سواخته چپ را تحت تاثیر قرار می داد.

چنین است عمده ترین مختصات شرایط عینی و ذهنی که بر سرترا ن فدائیان خلق ایران
شکل گرفتند.

در آغاز سال ۴۲، نخستین گروه سوسیا لنگا سازمان رهبری رفیق بیژن خرنی و در اواسط
دهه ۴۰، دومین گروه سوسیا لنگا سازمان رهبری رفقا بویان و احمد زاده تشکیل گردیدند.
در سحرگاه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با ساگه زاندا ریزی سیا هکل مورد حمله مسلحانه نیروهای مشتکرک
دو گروه فرا گرفت و اربی آن با وحدت کامل دو گروه، که اساسا اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم
و پذیرش مبارزه مسلحانه برای سرکوسی رژیم شاه صورت گرفت، سازمان جریکهای فدائی خلق
ایران، تاسیس گردید و ۱۹ بهمن روز سوسیا لنگاری سازمان اعلام شد. سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) سمرتکا مل خلق و بویای سازمان جریکهای فدائی خلق است.

فدائیان خلق ایران از آغاز سیدائی، بیکاری بیکر و دلیرانه علیه رژیم شاه، علیه
امیریا لیم و سرمایه داری و در راه استقلال، دموکراسی و سوسیا لیم به پیش برده اند. سازمان در
سالهای قبل از انقلاب طی ۸ سال سرد قهرمانانه و خویسن که به قیمت از دست دادن صدها تن از
بهترین پیشگامان جنبش انقلابی کشور تمام شد، علیه رژیم دنگا سوری چپ روانه موفق گردیدند
اکثریت فعالین چپ را به سوی خود جلب کند و جنبش انقلابی کشور را رشد دهد.

سازمان در روند گسترش و اوج گیری حسپی سوسیا لنگه ای در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ با تمام قوا در کنار
توده ها و اردییکاری سروسنت سازمان رژیم شاه شد. سازمان نقش سرحسته ای در قیام ۲۲ و ۲۱ بهمن
ایفا کرد. شرکت گسترده فدائیان در انقلاب بهمن سعود و اعتماد سازمان را نفوست و موجب تحکیم
بیوند آن ساکارگران و زحمتمندان گردیدند.

در سالهای پس از انقلاب، سازمان با تمام سیر و در راه سست و تحکیم و پیش برد انقلاب
بهمن و حفظ دستا وردهای آن به سردیر داشت. اما انقلاب بهمن با استغفار رژیم ولایت فقیه از
بیشروی سازمانند، خط مشی و سرتا به سازمان سزاحت تا نکرک رسته عوامل ذهنی و عینسی در

فهرست:

فصل اول، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) _____ ۱

فصل دوم، جهان بینی و آماج های دور و نزدیک _____ ۳

فصل سوم، سوسیا لیم جهان معاصر _____ ۶

فصل چهارم، ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور _____ ۹

۱- ساختار اقتصادی کشور _____ ۹

۲- انقلاب بهمن _____ ۱۰

۳- ماهیت و خط مشی جمهوری اسلامی _____ ۱۱

۴- آرایش طبقاتی جامعه _____ ۱۳

فصل پنجم، برای پیروزی انقلاب منی و دموکراتیک با چشم انداز سوسیا لیمتی _____ ۱۸

فصل ششم، برنامه حاکمیت انقلابی خلق _____ ۱۹

۱- در زمینه سیاسی _____ ۲۰

۲- در زمینه اقتصادی _____ ۲۱

۳- در زمینه اجتماعی _____ ۲۳

فصل هفتم، در راه اجرای این برنامه _____ ۲۶

سالیهای ۶۰ و ۶۱ دچار احوالات بد و در مقابل حکومت ارسالت اتحاد مبارزه سروری کرد. سازمان سنی خط می خود را عمودا دو مبارزه در راه سرنگونی رژیم ولایت فقیه و اسفند قدرت به مردم را عدت ماحل خود اعلام کرد.

سازمان در طول حساب اسفند آفرین خود، تکامل آمده سازد از اینت سرسپاده است. طبیی اس سالها سازمان تا تکامل اندولولوژیک، سیاسی و تکنیکالی خود به سازمانی توانا برای بیساختگی طبقه کارگر و بوده های ربحر فرا روئند.

انگای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران، وفاداری با پای جان به میمان های خود را مردم، تلاش بیکسیر برای کارست جهان نسبی علمی و انقلابی طبقه کارگر، اس! مکان را فراهم می سازد که سازمان متنا، خدمات بزرگتری به مردم میهن گردود و برجم صلح، استقلال، دموکراسی، بیطرف اجتماعی و سوسالسم را فراهم میهن سرافراشته دارد.

مصوب کمیسیون برنامه

۶۶، ۹، ۱۸

فصل دوم

جهان بینی و آماجهای دور و نزدیک

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران است. سازمان اهداف و مسافع آبی و آبی طبقه کارگر ایران را بنا بندگی می کند و مدافع بیکسیر خواستهای ترفی خواهان همه مردم زحمتکش ایران است. سازمان بیکار تمام مردم ایران علیه امیرالیسم جهانی و ارتجاع داخلی را متحد و متشکل می سازد و به سوی بیروزی قطعی هدایت می کند.

عالیترین هدف سازمان براندازی هرگونه بهره کشی انسان از انسان، بیان دادن به هرگونه ستم طبقاتی، ملی، نژادی، مذهبی، جنسی، تامین شرایط و امکانات وسیع برای رشد سریع اقتصادی - اجتماعی کشور تا مین رفاه و سعادت تمام مردم زحمتکش ایران است. تحقق این آماج بزرگ بشری در گرو استقرار سوسالیسم در ایران و تکامل شکوفان آن است. سوسالیسم و کمونیسم جا معهای است که بر درفش آن نوشته شده است: "همه چیز به نام انسان، همه چیز برای بهروزی انسان". نیل به این آماج در گرو حاکمیت طبقه کارگر و مردم زحمتکش متنا و طبقات چپا و لگرو براندازی نظام سرمایه داری است. بسیح طبقه کارگر و همه توده های زحمتکش برای تحقق این آماج، اساسیترین و مهمترین وظیفه سازمان است.

سرمایه داری نظامی است که بر پایه تضاد میان شکل اجتماعی تولید و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید بنا شده است. اعمال ستم طبقاتی و بهره کشی از توده های زحمتکش توسط اقلیت محدود سرمایه داران، خلعت ذاتی سرمایه داری است. سازمان در راه افشای ماهیت استثماراری و ستمگرانه امیرالیسم و نظام سرمایه داری و ترویج آشتی ناپذیری تضاد میان کار و سرمایه، تلاش می کند. سازمان بیکسیرانه علیه ایدئولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی، علیه کمونیسم ستیزی، شوینیسم، تبلیغ جنگ و علیه ناریک اندیشی، خرافه پرستی و افکار ارتجاعی و ضد علمی بیکسار می کند.

آماج مقدم سازمان، آماجی که بر نامه حاضر مقابل خود قرار داده است، سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" و استقرار یک حکومت دموکراتیک و متکی بر اراده مردم است. حکومتی که شرایط صلح پایدار را تامین و دموکراسی واقعی و استقلال کامل ملی را تضمین کند و در راه پیشبرد روند تحول انقلابی کشور برای گذار از سرمایه داری به سوسالیسم، کام بردارد. در راستای تحقق این آماج سازمان می گویند همه نیروهای صلح دوست و آزادیخواه کشور را که خواهان سرنگونی رژیم ولایت فقیه هستند، در یک جبهه وسیع متحد سازد.

آماجهای دور و نزدیک و همه حیات انقلابی سازمان، از جهان بینی آن نشات می گیرند. مارکسیسم - لنینیسم که یگانگی جهان بینی علمی و انقلابی دوران ما است، جهان بینی و تئوروی راهنمای عمل انقلابی سازمان است. سازمان بر نامه و خط مشی سیاسی و سازمانی خود را از طریق انطباق این جهان بینی بر شرایط متحول جهان معاصر و از طریق کاربرد آماج های - عام آن بر شرایط مشخص جا معه ایران تدوین و تنظیم می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اقتضای جهان بینی خود، سازمان بیکسیرترین میهن پرستان ایران است که همبستگی با کارگران و خلقهای سایر کشورهای را برای ملی و اجتماعی، در راه وظایف خود قرار می دهد. میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری، دو خلعت به هم پیوسته و مکمل یکدیگر سازمان است. استقرار سوسالیسم در ایران اساسیترین وظیفه میهنی و انترناسیونالیستی سازمان است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنا به جهان بینی خود، خواهان تامین هر چه

کامل تر حقوق بشر و در آس آن تا من صلح یا بندار و حق زندگی در جهان، صلح کلا می، و در کام نعت، صلح هسنا ای و همزیستی مسا لمت آ میر همه کشورها، خواهان تا من جو نعتی سربونت برای همه ملتها، خواهان استعما روا استعما رسو، آزادبستی، مفروکترسکی و سبوا دی، خواهان رعایت حرمت و حسب و معوی انسان و خواهان یا ساداری خردمندانانه از محیط رست در کره زمین است.

سارمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چه همسنا حسین کمونیستی و کاکری جهانی است. از نظام جهانی سوسالیسم، از حسب کمونیستی و کاکری در همه کشورها، از جنبشهای رها شیبی ملی و از جنبشهای دموکراتیک و توده ای در راه صلح، استقلال، دموکراسی، بشرفراحت اجتماعی و سوسالیسم پیگیرانه بینناسی می کنند.

سارمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حقا نیت انقلابی و آزما حهای انسانی و سببی سستی کمونیستی ایران پیگیرانه و تابه آخر یا ساداری می کنند، میراث آن را میراث خود می شناسد و راهم سبروهای آن در سراسر عرفات امیریا لیم، سوز و زاری و حرمان هسنا ای خرده سوز و زاری دفاع می کنند.

سارمان تا تمام سبرودر راه وحدت همه سبروان سوسالیسم علمی در حزب واحد طبقه کاکری ایران و علیه رجه هرگونه انحراف ایورونیستی راست یا "چپ" در صفوف پیشاهک طبقه کاکری ایران سبکار می کنند.

فصل سوم

سیمای جهان معاصر

هزاران سال اسان زحمتکش در آرزوی رسیدن به جامعه ای عادلانه و فارغ از ستم و سبوه کثی فردا ز فردا بود، اما نحق این روسا تا او خرفرن گذشته هوزمکن بود، تا آنکه نظام ستمگرا نه سرما به داری تا تکامل خود گذر به مرحله امیریا لیم، گورکن خود را در دل خویش برورد و امکان عسی برای گذر به سوسالیسم و آغاز دوران جدیدی از روند تکامل جامعه بشری فراهم شد.

در دوسین دهه فرن ستم، انقلاب سوسالیستی در ضعیف ترین حلقه سیستم جهانی امیریا لیمتی به سبروری رسید. سرما به داری و نظام استعما رطقاتی در روسیه تزاری برانداخته شد و برای اولین بار در تاریخ، طبقه کاکر و توده های زحمتکش بر مقدرات خود حاکم شدند. با سبروری انقلاب کبیر سوسالیستی اکثر، دوران تازه ای در جهان آغاز گردید.

با درهم شکستن فاشیسم هینلری و میللتا ریم زاین، محاصره امیریا لیمتی سوسالیسم خانمنا نت و سخت سزگی از جهان در راه سوسالیسم کام نهاد. جمهوری خلق چین تا سس شد و همراه با کشورهای اروپای حوری، راه تکامل سوسالیستی را در پیش گرفتند. سبروری انقلاب سوسالیستی در کره و در کوبا و ویتنام ضربات سخت دیگری را متوجه سرما به داری جهانی کرد. سوسالیسم به یک سیستم جهانی تبدیل گردید.

با انقلاب اکثر امکان عسی برای فروپاشی سیستم استعما ری و رها شیبی خلق های تحت ستم فراهم شد. طی سالهای سب از حک امیرا توری های استعما ری به کلی درهم شکست و بیش از یکمصد کشور به حق حاکمیت ملی و استقلال سیاسی دست یافتند. این تحول نیز مواج سوسالیسم در مقابل امیریا لیم را تقویت کرد.

اکنون سوسالیسم به جهان سبروی توانمندی فرا روئیده است که بدون مشارکت آن هیچک

از مسائل عمده جهان معاصر تا حل نیست. سوسالیسم تکیه کاه استوار صلح در سبیا ره ما و مدافع سبکرا اصول دموکراتیک در مسا سات بین المللی و مانع عمده در سبیا ارتجاع جهانی است. دستاورد سبکری سوسالیسم، سرفرا ری موا رنه نظامی - استراتژیک سبب، دو نظام عمده جهانی، سبب سوسالیسم و امیریا لیم است. این توازن مواج سوسالیسم جهانی را تحکیم کرده و حساب های امیریا لیم برای سبروری در حگ هسته ای را بر هم زده و شرایط عینی، در عرصه سبب بین المللی برای سبروری انقلاب خلق ها را مسا عدتر ساخته است. استکار تحول تاریخی جامعه بشری در دست سوسالیسم است.

سوسالیسم به در سبرونه ترین کشورهای سرما به داری، بلکه در ضعیف ترین حلقه سبب آن سبروند. سئوال سزگ این شد که تا سوسالیسم تا در خوا هشد در سبک کشور و حدود در سبب محاصره و تعرض امیریا لیم موجودیت یا ند؟ راه کدام است؟ صدور انقلاب به کشورهای پیشرفته سرما به داری یا پذیرش همزیستی مسا لمت امیریا سرما به داری، و در کنار این همزیستی، تلاش مداکا راه برای سبرع رشد اقتصاد - اجتماعی سوسالیسم (معنعتی کردن کشورها)؟ تاریخ سوسالیسم و نیز همه حقایق معاصر نشان می دهد که چه دیروز و چه امروز سوسالیسم تنها از طریق همزیستی مسا لمت امیریا سبب دو نظام، تحکیم صلح جهانی و در سبروت آن تلاش مداکا راه در راه سبرع شتاب رشد اقتصاد - اجتماعی و کاهش فاصله صلح رشد خود با سرما به داری و پیشی گرفتن از آن در سبب تاریخی، راه بقا و گسترش خود را تکامل جامعه بشری راهموا می کنند و می بسا سبب.

دسای یا با دهه قرن ۲۰ تا دنیای آسنا دهه فرن به گونه بنیادین تفاوت کرده است. انقلاب علمی - فنی جهان جهانی عظیم در صلح رشد سبروهای مولده پدید آورد که در صورت سبب تکامل آن توسط سوسالیسم، رویای دیرینه اسان زحمتکش برای سبک کردن رنج کاروزیمتن در رفاه و سوز در جامعه ای امن و عادلانه، زمینی می گردد. از سوی دیگر این جنبش افزارهای حگ را جهان تکامل بخشیده است که با وقوع آن بقینا مرگ هسته ای نصیب زمین می گردد. اگر در آغاز پیدایش سوسالیسم، همزیستی مسا لمت امیریا برای بقای سوسالیسم سبرور بود، امروز اس همزیستی در کیفیتی نوین، آنگونه که در قالب تفکر نوین سیاسی بیان می شود، برای بقای تمام بشریت ضرور گردیده است.

اگر در او لسن سال های سب از سبروری اکثر، براندازی سرما به داری و استعما ر سوسالیسم و سبرع ایجاد بانه های صنعتی سبروند برای آن، تحولی دورانما زیود، امروز تکامل کیفی سوسالیسم، که در قالب سوسازی بیان می شود، از طریق سبرع جذب هر چه گسترده تر انقلاب علمی - فنی در اقتصاد سوسالیستی و از طریق دموکراتیزه کردن هر چه بیشتر حیات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی سوسالیسم، دستاورد بخش انقلاب اکثر و حافظ سمت تکامل دوران معاصر است. سرما به داری سبگرچه نسبت به آغاز قرن تغییرات فاحشی را پشت سر نهاده است، اما ماهیت و حطت استعما رگرا نه و غیره دلانه آن نه تنها باقی است، بلکه وضوح بیشتری یافته است. اکنون تقادناسی کاکر و سرما به به نحوی عمیق ترجا مع سرما به داری را تقسیم می کنند. تکامل نظام سرما به داری، سرما به و تولید سرما به داری را وسیع بینا لمللی کرده است. سرما به انحصاری فراملی ابعادی غولآسا یافته و عمده تولیدات کشورهای پیشرفته سرما به داری را تحت سبب خود گرفته است. فراملی شدن سرما به انحصاری و توسعه آن، بفرنجی های تازه ای در سبروسه تولید و نظام سیاسی سرما به داری پدید آمده است. مشخصه سرما به داری معاصر، درهم تنیدگی و زرفتن بحران های ادواری و ساختاری آن است. رشد تقاد میان حطت فراملی سزما سبب انحصاری یا شکل ملی سازمان دولتی یکی از سرفرجه های این بفرنجیهاست. تکامل سرما به داری

تا رسیدن به آمادگی لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی - صنعتی مدام به هم حسود را در گسل بود سرمایه‌ای ایران می‌دهند. آنها مساعده‌دهنده خطر حکم و محرک عمده افزایش سطح بین‌المللی هستند.

اعطای غلظت - منعی، مدیریت تطبیق و مابور سرمایه‌داری انحصاری را با شرایط نازده افزایش داده است. در عین حال این بیشتر تعرض نازدهی را، که موج محافظه‌کاری جدیداً مسوده می‌شود، ارسوی حجاج راست‌بورواری انحصاری برای بازبینی گریستن دست‌آورد‌های نازده طبقه کارگر موجب شده است. رشد تکنولوژیک، که در سوسیالیسم عدالت و امنیت مطرح را تقویت می‌کند. آن‌گاه که در سرمایه‌داری به خدمت گرفته می‌شود شکاف طبقاتی را عمیق‌تر، سیکاری را گسترده‌تر و ناسازگاری‌های رشدیافته را با رهم‌سنگین ترمی‌کند.

سازند علمی - فنی، در مصوب طبقه کارگر و ساحتی طبقاتی جامعه سرمایه‌داری سبب دگرگونی‌هایی پدید آمده است. سهم کارگران متاغل علمی - تخصصی افزایش می‌یابد، کارگری نقش عمده‌تری پیدا می‌کند و سهم کارکنان رزنده کاستی می‌گیرد. فشرده‌تری در مصوب طبقه کارگر بفرج‌تر و عمیق ترمی‌شود. طبقه کارگر با رهم‌گسترده ترمی‌شود و نسبت به سایر طبقات اجتماعی سهم و نقش آن در حیات اجتماعی سازم افزایش می‌یابد. مبارزه کارگران اشکال متنوع‌تری به خود گرفته و محتوی آن غنی ترمی‌شود.

تکامل سرمایه‌داری، هم‌ضرورت سوسیالیسم را با رهم‌میرم‌تر ساخته، هم‌راه دست‌یابی به آن را بفرج‌تر کرده است. این تحولات جنبش کارگری و کمونیستی در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آنها با اوضاع نازده منطبق می‌شوند و خواست‌های همه طبقات و سبب طبقه کارگر و گروه‌های وسیع خلق را برای تحولات دموکراتیک مرحله‌ای دردست‌وروز قرار می‌دهند. مهارت تعرض محافظه‌کاری جدید و مجتمع‌های نظامی - صنعتی و نیز دفاع از صلح و دموکراسی به آماج مقدم این مرحله تبدیل شده است.

جنبش عام دموکراتیک نوزده‌ای برای حل مسائل مبرمی که فراروی جامعه قرار گرفته است، هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد. این جنبش‌ها طیف وسیعی از اوضاع و احوال را در بر می‌گیرد. آماج این مبارزه در وهله اول حفظ صلح در جهان، جرات از محیط زیست، دفاع از حقوق بشر و نیز سایر مسائلی است که جامعه را نگران می‌کند. طبقه کارگر نیروی بزرگ این مبارزه، و محافظان راست‌گرای محافظه‌کار سرمایه‌داری، آماج عمده آن به شمار می‌روند.

پیدایش و تشکیل بیش از ۱۰۰ کشور مستقل طی دهه‌های اخیر، سیمای جهان پایا به سده ۲۰ را عمیقاً تحت تاثیر قرار داده است. جغرافیای سیاسی جهان با بیان یک مرحله کاملاً انقلابات رها بی‌بخش ملی را با زتاب می‌دهد. مرحله‌ای که در آن براندازی استعمار، کسب استقلال سیاسی و حق حاکمیت ملی مضمون عمده آن بود. این تحول در تئوریات سوسیالیسم و جنبش بین‌المللی به سود نیروهای صلح و ترقی و به زیان امپریالیسم به شدت تاثیر کرده است.

امپریالیسم با شیوه‌های نو استعماری، با تهدید نظامی، فشار اقتصادی و سیاسی از ارتجاع داخلی می‌کوشد سیر تکامل جنبش‌های ملی را متوقف و پیروزی‌های آن را رایل کند. بویژه ارسوق آن به سوی نوسازی مناسبات اقتصادی - اجتماعی در سبب سوسیالیسم خلق‌گویی کند. وابستگی اقتصاد این کشورها به کشور متروپل، اهرم اصلی امپریالیسم در بسیر و توسعه مناسبات اهداف فوق است.

شکاف عمیقی مجموعه این کشورها را، که اصطلاحاً "جهان سوم" نامیده می‌شود، از بنفیه جدا جدا می‌کند. این شکاف به گونه‌ای انحصاراً میرد در حال رشد است. خلق‌های این کشورها، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را مسئول اصلی عقب ماندگی کشور خود و دشمن اصلی استقلال و پیشرفت خود می‌شمارد. اکثر آنان زیر بار خردکننده بهره‌کشی مالی سرمایه‌انحصاری

و بسیاری از آنان در معرض تهدید حمله نظامی امپریالیسم قرار دارند. مسأله‌ها با دلایه، سوسیالیزه از راه عرضه و عطیلت توسعه طلبانه امپریالیسم، منبغ گسترش شکاف میان کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری و "جهان سوم" و منشاء عمده درگیری‌های منطقه‌ای است. رشد با فکار گونه‌ای بین شکاف، آن راه‌یکی از جداترین مسایل جهان معاصر، مسأله‌ای که آشکارا اخلالیت عموم بشری به خود گرفته، تبدیل کرده است.

علیرغم این، سیمای کشورهای رشدیافته از نظر تکامل اجتماعی، بی‌سنگ نیست. نسیاری از آنها مدت‌هاست که راه رشد سرمایه‌داری را طی می‌کنند. سرگروهی از این دسته کشورها، ایچانسل دست‌نشانده امپریالیسم حکومت می‌کنند و اقتصاداً دوساست کشور را تا از جگه‌ها امپریالیسم و سرمایه‌داری فراموش ساخته‌اند. سرگروهی دیگر محافظ سرمایه‌داری ملی حکم می‌راند. آنها گرچه مایلند که کشور را به راه رشد مستقل سوق دهند، اما در عمل قادر نیستند استقلال اقتصاد کشور را تا مین و یا، مسائل رخد اجتماعی - اقتصادی کشور را به سود خود حل کنند.

گروهی دیگر از کشورهای "جهان سوم" در سیر نوسازی اقتصادی - اجتماعی کشور در جهت منافع زحمتکشان کام‌برمیدارند. آنها زمینه‌های آینه‌سوسیالیستی کشور را تدارک می‌بینند. برآیند حرکت و سمت گیری عمومی کشورهای رشدیافته به مثابه یک کل دارای خط‌مستقیم ضد امپریالیستی است. روند تحول اوضاع در این بخش از جهان در پال‌های پس از جنگ دوم در جهت تقویت این‌گرایش بوده است. سازمان ملل متحد، سازمان کشورهای غیرمتعمد، و نیز دیگر سازمان‌های بین‌المللی به نحو بسیار رزتری سمت تحول و راستای تاثیرگذاری عمومی کشورهای جهان سوم را به سود مصالح صلح و ترقی و به زیان و بهره‌ای امپریالیسم آشکار می‌انزند.

* * *

جهان در پال‌ها به هزاره دوم میلادی به اوج پیچیدگی و گوناگونی خود رسیده است. اوضاع جهان ما اکنون دستخوش گرایش‌های متضاد و متعدد است. آینه‌بشریت را کثیری از عوامل بساط رشدی‌یکلی‌نا موزون رقم می‌زنند. کلیت جهان معاصر از آمیزه‌ای از تضادها، رویا روشی‌ها، رقابت‌ها و نیز وابستگی متقابل و همکاری کشورهای آن تشکیل می‌دهد. جهان معاصر، جهانی تقسیم‌شده و در عین حال تا حد معینی یکپارچه است. تضاد دور قات میان دو گرایش اساسی دوران ما، سوسیالیسم و سرمایه‌داری انکشاف می‌یابد. اما در عین حال همکاری دونظریام در راستای حفظ زندگی از خطر نیستی در جنگ هسته‌ای و در سایر بر غرضه‌های عموم بشری گریزنا پذیر است. آینه‌راه خود را از درون این تناقض و به گونه‌ای نسبتاً کورمال می‌گشاید. مبارزه طبقاتی ناخواست‌های عموم بشری می‌آیزد و طبقه کارگر در پیکار ره‌خاطرهای از ستم سرمایه و پیکار ره‌خاطرهای بشریت از خطر نیستی هسته‌ای، در پیکار ره‌خاطر سه‌روزی بشریت هرزمیان نقش‌والانتری می‌یابد. سوسیالیسم در آینه‌نیز نیروی اصلی این پیکار تاریخی است. تقسیم‌شدن جهان قبل از هم‌ناشی از تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری و تفاوت‌های بنیادین این دو نظام اجتماعی - اقتصادی است. از پیروزی اکثریت تا امروز امپریالیسم با تمام وسایل کوشنده است که از طریق محوسوسیالیسم، این تضاد را به سود خود حل کند. اما رویدادها تاریخی هرچه پیشتر نشان داده‌اند که دوران کنونی دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است. تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم نمی‌تواند دنیا به جنگ و یا حتی خنثی‌وقوع آن را رهم توجیه کند. این به معنای نابودی همه بشریت و زندگی روی زمین است. تثبیت و تحکیم صلح جهانی را رینفای بشریت است. سوسیالیسم در سرخوردن این تضاد، خلغ صلاح کامل هسته‌ای و شمسائی تا پایا به هزاره سوم، رقابت مسالمت‌آمیز، حل و فصل مسایل بین‌المللی از طرق سیاسی و سبب همکارها میان دو سبب در جهت منافع بشریت مطرح می‌کند.

تقسیم‌شدن جهان هم‌چنین ناشی از شکاف روه رشد کشورهای "جهان سوم" با امپریالیسم است.

فصل چهارم

ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور

ایران به لحاظ داشتن منابع غنی نفت و گاز و به جهت موقعیت جغرافیایی، سیاسی در منطقه خاورمیانه و در عرصه بین‌المللی، اهمیت استراتژیک خاص برخوردار است. علمبرعم مکان‌ناب و وسیع و منابع سرشار برای رشد کشور و سودرسانی راجحکنان، به دلیل طبع غارتگرانه امپریالیسم و حاکمیت رژیم‌های صدمردمی و صدمدلی، کشور ما را عقب مانده‌گی در دنیا ک اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برد.

۱- ساختار اقتصادی کشور:

ایران کشوری است سرمایه‌داری که در آن مناسبات سرمایه‌داری از دهه ۴۰ به بعد، نشانه شیوه غالب و به شیوه اصلی تصاحب دسترنج کارگران و زمینکنان تبدیل شده است. لذا ذاتی در ساختار اجتماعی-اقتصادی کشور، تضاد کار و سرمایه است. تا این وجود ساختارهای شیوه سیاسی ماقبل سرمایه‌داری، سبزه مربوط به مزاج اولیه سرمایه‌داری، همچنان کشف شده است. رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران طی دوره و اساساً از انقلاب یعنی با تکیه بر سرمایه‌داری همتا نشانه دیکتاتوری شاه و منابع درآمد نفت و ذخیره میوندی کامل با انحطاطات امپریالیستی و رطوبت اعمال فساد و محدودیت برای ساختار و طبقات جامعه و به گونه‌ای نشانگان صورت گرفتار شده است. با رشدشان این سرمایه‌داری که وابستگی با رزقین حقیقت آن است، در نهایت آخر قبل از انقلاب در بخش تجارت خارجی، منابع مونتاز و سادگی، گرایش انحطاطی پدیدار شد. در این سالها روند ادغام سرمایه‌های بانکی و صنعتی آغاز شد و الیگارش مالی شروع به شکل گیری نمود.

سرمایه‌داری سنتی ایران طی حدود یک قرن اخیر به علت تقوید و تسلط استعمار، قدرتشند راه رشد خود را به طور طبیعی طی کند و از مراحل تولید کارگاهی به تولید انبوه صنعتی و به مزاج حل بعدی تکامل آن گذر نماید. تولید خرده‌کالایی و سرمایه‌تجاری-ملکی که در تکتک مناسبات فئودالی شکل گرفته بود، علمبرغم گسترش روند زوال این مناسبات همچنان با تطبیق خودتکامل شرایط جدید، ولی عمدتاً با تکیه بر تکنیک عقب مانده و منابع و سازار داخلی، بخش عمده‌ای از نیروی کار را در خود سا زمان داده است.

تکامل سرمایه‌داری در ایران، هم به لحاظ شباب و شیوه رشد در ساختارهای سنتی و مدرن و هم به لحاظ میزان گسترش در بخش‌های مختلف اقتصاد در مناطق مختلف کشور، تکاملی به شدت ناموزون، گسخته و سیمارگونه است. تمرکز سرمایه در تجارت و خدمات به مراتب بیش از صنایع است.

سیستم بانکی نیز عمدتاً در خدمت سرمایه‌تجاری بوده است. تولید صنعتی در ایران عمدتاً منابع مصرفی، سبک و مونتاز و به طور کلی برای سازار داخلی بوده است. سازار خارجی سرمایه‌داری ایران بسیار محدود و همواره با تولیدات ساختارهای سنتی ارتباط داشته است. در اقتصاد سرمایه‌داری ایران نسبت تولید و مانتل تولید به تولید کارگاهی مصرفی، فوق‌العاده پایین است. صنایع ایران تماماً به ماشین‌آلات و تکنولوژی خارجی متکی است.

بخش‌های مختلف صنعت در ایران از یکدیگر گسخته و دو سبک هر کدام به طور جداگانه به در خارج از کشور بسته می‌شود. بین تولیدکنندگان و رزق، تولید صنعتی و خدمات پیوندی رگانیک وجود

این تضاد که ناشی از حمله توسعه طلبانه و استعمارگرانه امپریالیسم است، عملاً ندمه بررگستر دسارانه منطقه فقرتبدیل کرده است. امپریالیسم این مناطق را "قلمرو منافع حیاتی خود" می‌شمارد و آنها را برحمانه غارت می‌کند. سرمایه‌فرامی این کشورها را منبع عمده مواد خام و نیروی کار ارزان قرار داده است.

لین تضاد خلیقهای کشورهای رشدیافته، که علیه امپریالیسم و در راه رهاشی کامل ملی مبارزه می‌کنند، را در کنار سوسیالیسم جهانی قرار می‌دهد و آنها را به طور عینی متحد می‌داند.

وبالآخره باید تقسیم‌جهان در اثر تضادهای میان مراکز عمده سرمایه‌داری جهانی و سیرمیان گروه بندی‌های سرمایه‌انحصاری فراملی را در نظر گرفت. جهان سرمایه‌داری عمده به مرکز عمده تقسیم شده است. برتری مالی و تکنیکی آمریکا بر دو مرکز دیگر، که بعد از جنگ تا اواخر دهه ۶۰ ادامه داشت، اکنون آشکارا تضعیف می‌شود. با این حال قدرت اقتصادی و نظامی امپریالیسم آمریکا همچنان بر دو مرکز دیگر، ژاپن و اروپا، عملتحمیل می‌شود.

تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم، منافع مشترک قدرتهای امپریالیستی در مقابل با خیزش "جهان سوم" و نیز توسعه فراملی شدن سرمایه، در واقع فعلی، حاکی از آن است که گرچه رقابت‌های اقتصادی میان سه مرکز عمده سرمایه‌داری معاصر، حادث می‌شود، اما این تضاد تحت الشعاع دیگر تضادهای جهان را تقسیم می‌کنند، قرار گرفته و به رورروشی سیاسی و سیاسی نظامی گسترش نیافته است.

گروه بندی‌های مختلف سرمایه‌انحصاری که حمله چند ملیتی و ابعادی عول آسیا یافته اند، نیز هر یک می‌کشند قلمرو خود را توسعه دهند. در این زمینه رقابت و منازعه میان مجتمع‌های نظامی-صنعتی و سایر گروه بندی‌های سرمایه‌انحصاری برجسته تر است. این پدیده نیز در اوضاع بین‌المللی و روندهای آن اثر می‌کند.

سمت عمومی تحول سیمای جهان معاصر را مهم‌ترین تضادهای آن تعیین می‌کنند. در ایسن تحول نیروهای محرکه روند انقلابی جهانی، نیروی بالنده به شمار می‌روند. این نیروها عبارتند از: سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری و کمونیستی در کشورهای سرمایه‌داری، کشورهای رهاشی یافته و جنبش‌های رهاشی بخش، جنبش‌های توده‌ای دموکراتیک که در راه صلح، دموکراسی، استقلال پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم پیگامی کنند. طبقه کارگر جهانی نیروی محرکه اصلی گسترش روند انقلابی جهانی است. جنبش کمونیستی و کارگری بین‌المللی در عمل نیروی سمت دهنده و موثرترین نیروی روند انقلابی جهانی است.

تحلیل عمده‌ترین روندهای که در جهان معاصر انکشاف یافته و نیز انکشاف می‌یابند، نشان می‌دهد که گذر خلق‌ها از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و کمونیسم، مسافه تاریخی میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری، بسط مبارزه خلق‌های تحت‌ستم برای رهاشی و شکوفایی ملی، رشد جنبش‌های توده‌ای و دموکراتیک علیه امپریالیسم و سیاست‌های غارتگرانه و تجار و کاروانه آن، و در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم، سمت محتوای اصلی و کیفیست سیر تحول جهان در دوران معاصر را معین می‌کنند. علمبرغم تمام می‌بهرنجی‌ها و فرا زوشیب‌های تحولات جهان معاصر، سیر کلی رویدادها در قرن حاضر، امید به پیروزی مبارزه در راه حفظ صلح در جهان و پیشرفت روند انقلاب جهانی را رورتر و نیرومندتر می‌ازد.

ندارد. آنها سایرهای معنای خود را رفع نمی‌کند، رشد محدود سرمایه‌کلاص معنی، سطره سرمایه
سحاری و سایرکی، محدودیت سرمایه و سروی کارمترگر، تعوی چشمگیرما لکیت خرد، کارا انفرادی
وتکنولوژی ابتدائی باارده‌ها چیز، درشهروده و درمدنلای جمعیت روستائین، سانه‌های
سارسطح سارل نکلامل نظام سرمایه‌داری ایران ورشدبه‌شدت سوزون وسیمارگونه‌آن است .
سطره‌تولیدخرد، تکنیک ابتدائی و بازده کم حطت‌سمای اقتصادکشاورزی ایران است .
علیرغم شکل گیری معدودی واحدهای بزرگ کشت وسعت، توده‌اطلی کشاروزان ایران درواحدهای
کوچک پراکنده اند، سارده فوق‌العاده باثین کاردرکش کشاروزی آن رادرقات با تولیدات
خارجی سهوی ورکنشکی کامل سوق می‌دهد، تولیدسرایه محصولات کشاروزی درطول دوده‌اخیر،
مدام‌روبه‌کاهش وسیازبه‌تولیدومصرف مواد کشاروزی مدا‌روبه‌افزایش سوده‌است . ایسن
شکاف هم‌میان روبه‌افزایش است . سهم‌کشاروزی درتولیدملی به‌نسبت نیروی شاعل درکشش
کشاروزی بسیارباثین است .

سرمایه‌داری ایران درتمام مناطق کشوربه یکسان رشدنکرده است . ایران دارای مناطقی
است که عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی و معاش‌ناشی از آن فوق‌العاده حادث است، کردستان،
سیستان و بلوچستان و مناطق عشائری فارس، برحسته‌ترین نمونه‌هاست .
اقتصاد ایران عمیقاً و به‌طورهمه‌جانبه با اقتصادکشورهای امپریالیستی وابسته است و در
تقسیم‌کاری بین‌المللی دروضع برابر سوارت‌باری قرارگرفته است . ایران منبع تا مین نفت
خام و سارموروش‌کالا‌های ساخته ونیم‌ساخته غرب است . صنایع مونتاژتولیدتک‌پایه‌ای نفت ،
حلقه‌های اصلی وابستگی اقتصادکشوربه انحصارات امپریالیستی است . اقتصاد ایران اساساً
برتولیدوموروش نفت خام متکی است . چنین اقتصادی به‌شدت بحران پذیر، بی‌پایه و درعسسل
تابع انحصارات غرب است .

تعمیرکردن آس‌مهندسکفت نفت در دست دولت ، نقش دولت در اقتصادکشور را به‌شدت افزایش داده
وزمین‌ه‌رای برای استقلال عمل نسبی آن مساعد کرده است . سهم‌بزرگی ازنیروی کار در دستگاه
عربخیز و طویل‌بوروکراسی متمرکز شده است . سهم ونقش سرمایه‌دولتی به سرمایه خصوصی در ایران
نسبتاً سالا است . بخش دولتی در اقتصاد ایران گسترده ونیرومند است . تمام سیاست‌زیربنائی
بخش اعظم صنایع سنگین و مادر موسسات بزرگ مالی، دولتی است . درسیاری از رشته‌های مهم
تولیدی و خدماتی نیرو دولت دارای نقش مهم‌رگانه انحصاری است .

۲- انقلاب بهمن :

رشدی‌رشتاب و شدیداً سوزون سرمایه‌داری در ایران ، موجب تشدید و تعمیق شکاف میان
ساختارهای جدید سرمایه‌داری وساختارهای سنتی آن گردید، تشدید تضاد میان رشدی‌بوروکراتیک ،
شتابان و آزیلای سرمایه‌داری وابسته ، با منافع حاکمین ساختارهای سنتی ورشدی‌زبانین و
دموکراتیک سرمایه‌داری، رژیم‌شاه را از انکابه‌بخش عمده‌ای از بورژوازی ایران نیز محروم
ساخت . در آستانه انقلاب بهمن جزایه بسیار محدودی از بورژوازی، تمام اقشار و طبقات جامعه
یعنی طبقه کارگر، دهقانان، اقشار وسیع خرده‌بورژوازی، توده رنجبران، حاشیه‌ای، انبوه روشنفکران
بخشی از مالکین و بخش عمده‌ای از تمام‌لایه‌های غیرانحصاری بورژوازی، به‌موضع مخالف رژیم
شاه پیوستند، سیاست و ماهیت ضد مردمی و ضد دموکراتیک رژیم‌شاه، زمینه‌ساز عمده انفراد و پیدایشی
شرایط سقوط آن بود .

تلاش رژیم‌شاه برای تطبیق روش‌های اجتماعی با نیازهای رشد سرمایه‌داری وابسته، با
اعتراض و مخالفت دستگانه روحانیت نیز مواج‌ه بود، روحانیت در این اعتراضات هم‌اکنون
قشری خاص خود و هم‌اکنون تکیه‌گاه اجتماعی خود را نیز می‌گرفت .

سرکوب شدید نیروهای انقلابی، ضعف عمومی جنبش کارگری و سطح نازل آگاهی و تشکلی
توده‌ای، موجب شد که روحانیت پیرو خمینی بتواند در رأس تعرض توده‌ای علیه رژیم‌شاه و سپس
در رأس انقلاب بهمن قرار گیرد .

نقش و تاثیر روحانیت در انقلاب ، مهم‌ترین ویژگی انقلاب بهمن و عمده‌ترین منشأ
بفرنجی‌های آن است . روحانیت از یک سوبه‌منابه‌یک قشرا اجتماعی، برای احیاء و گسترش نفوذ و
قدرت خود، برای مذهبی کردن حیات سیاسی و اجتماعی جامعه، برای استقرار ولایت فقیه‌تلاش
می‌کرد و از سوی دیگر به دلیل پیوندهای تاریخی و اجتماعی دیرین با حاکمین ساختارهای
سنتی در نظام تولید، یعنی با تجار بازرگان، با اصناف و پیشه‌وران، با لایه‌های مختلف دهقانان و با
بخشی از مالکین ، منافع و تعالیات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنان را با زتاب مسی‌داد .
روحانیت از این رو علیرغم وحدت درونی در دفاع از منافع خاص روحانیت ، حامل گرایش‌های
طبقاتی مختلف بود .

عملکرد آس‌بند خصویات روحانیت پیرو خمینی موجب می‌شد که این جریان از انفراد تر رفتن
انقلاب و ازیراندازی سلطه‌سیاسی و نظامی امپریالیست ویرانندازی سرمایه‌احضاری (داخلی) و
رژیم متکی بر آنها به سراسر دوران ابتدای دموکراتیکیزه‌کردن حیات سیاسی و اجتماعی جامعه
به مخالفت برخاسته و با تمام قوا در راه استقرار رژیم ولایت فقیه تلاش ورزد و آن را به سده و مانع عمده
در راه پیشرفت انقلاب بهمن و تحقق خواسته‌های خلق مبدل سازد، توده‌های شرکت‌کننده در انقلاب
بهمن خواهان دموکراسی سیاسی، نابودی سلطه امپریالیسم و دیگر گونگی‌های بنیادین اجتماعی
اقتصادی به سود اقشار محروم جامعه و پی ریزی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت اجتماعی بودند، اما
با انتقال قدرت و سپس انحصار قدرت سیاسی در دست روحانیت پیرو خمینی و استقرار رژیم ولایت
فقیه که در همان نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب صورت گرفت ، دستاوردهای انقلاب
بهمن که حاصل جانبازی خلق بود، نه تنها گسترش نیافت ، بلکه همراه با همه نیروهای دموکراتیک
کشور، آماج ستیز و سرکوب رژیم خمینی گردید .

انقلاب بهمن از نظر سمت اصلی حرکت انقلابی بود و سلطنتی و ضد امپریالیستی و از نظر
شرکت وسیع‌ترین توده‌های خلق، انکال مبارزه و خواست‌های مبتنی بر عدالت اجتماعی، یک
انقلاب خلقی بود .

نقش توده کارگران در پیروزی قطعی انقلاب بر رژیم‌شاه و نقش روحانیت که در رأس انقلاب
قرار گرفت ، در عدم تحقق آماج‌های دموکراتیک و مردمی آن نقش‌هایی تعیین‌کننده بوده‌اند .
انقلاب بهمن بزرگ‌ترین رویداد سیاسی تاریخ معاصر میهن ماست . انقلاب بهمن رژیم
سلطنتی حاکم بر ایران، این نیرومندترین دژ امپریالیسم در منطقه، را درهم شکست . به‌سلطه
نظامی و سیاسی امپریالیسم بر کشور پایان داد، بورژوازی بزرگ وابسته را از حاکمیت به‌زیبیر
کشید و سرمایه‌انحصاری را برانداخت ، بخش اعظم صنایع بزرگ و بانکداری و بیمه را از چنگ
سرمایه‌داران داخلی و خارجی، و بخشی از اراضی بزرگ مالکان را از چنگ آنان خارج ساخت .
پیروزی انقلاب بر رژیم‌شاه و دستاوردهای انقلاب بهمن، پیروزی بزرگ و تاریخی و پرنشکوه مردم
ایران است . انقلاب بهمن در توازن نیرو در منطقه خاور میانه به‌زیان امپریالیسم و ارتجاع و
به سود مبارزه خلق‌ها، تا نیز گسرد .

۳- ماهیت و خط‌بشی جمهوری اسلامی:

جمهوری اسلامی رژیم است بورژوازی - دموکراتیک ، دارای حطت عمیقاً ضد دموکراتیک ضد
خلقی و ارتجاعي که از منافع قشر محدود روحانیون شیعه و از نظم سرمایه‌داری دفاع و پاسداری

می‌کند. این رژیم سبزه اهرم‌های قدرت را بیش از همه در خدمت منافع آرمدا نه حق‌های
نازندیافته‌تر سرما به داری ایران به منظور تسریع رشد آن و غلبه منافع طبقه کارگر، تسبوه
دهقانان و سایر زحمتکشان و در جهت غارت و حشانه ویسند و آرتان به کار انداخته است.

در جمهوری اسلامی و استکباری زمان با اقتضا دکتور به سیستم جهانی امپریالیستی حفظ
می‌شود و طبقه انحصاریات فرا ملی برپا زار تولید و سرمایه داری ادامه می‌یابد.

در جمهوری اسلامی اقتضا دکتور در بحرانی همه جانبه و عمیق فرورفته، سطح تولیدات تنزل
یافته و مواضع تازه ای فرا روی رشد نیروهای تولیدی کشور دیده شده است. تضاد نظام سیاسی
مبتنی بر ولایت فقیه و الزامات رشد اقتصادی - اجتماعی کشور، منشاء مهم تشدید بحران است.
جنگ ایران و عراق به مناسبت عمده ترین عامل ویرانی کشور، با رزترین نمودن عمیق ممان
منافع ولایت فقیه و نیازهای رشد اقتصادی - اجتماعی است. سبیل اخراج و بیکاری کارگران،
ورشکستگی و حاشیه خرابی وسیع دهقانان، عاطل ماندن نیروی فکری و خلاقه روشنفکران و بیسز
کاهش مستمر سطح زندگی تمام اقشار مردم، نتیجه و حاصل تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی کشور
و بی‌آدمتستیم دادها حکمیت جمهوری اسلامی است.

رژیم جمهوری اسلامی رژیم ولایت فقیه است. رژیمی است خودکام که در آن قانون گذاری،
دستگاه اجرایی دولت، قوه قضائیه، نیروهای مسلح و به طور کلی تمام اهرم‌های قدرت سیاسی در
اختیار و زیر کنترل و فرمان و اراده یک فرد به نام ولی فقیه قرار گرفته است. ولایت فقیه نقض
آشکار و روشن حق مردم برای انتخاب آراء و اداره حکومت دلخواه خویش است. ولایت فقیه حق مسلم در
شعبین سر و تخت خویش را، اساسا، انکار می‌کند. ولایت فقیه حشن ترین نوع حکومت مطلقه و
استبداد دینی است. ولایت فقیه رژیمی است مبتنی بر احکام و مقرراتی که از زلی و ابیدی اسلام
شده اند و جامعاً هرگونه حتی برای تغییر و حتی تمحیح آنها در جهت رفع تضاد عمیق آن با واقعیات
زندگی معاصر، محروم گشته است.

رژیم ولایت فقیه بنا به ماهیت خود، رژیمی است که همزیستی مسا لمت میر با دیگر کشورها را
رد می‌کند و جنگ را به مثابه رحمت الهی می‌پندارد. آرتان این رژیم آن است که حتی از طریق جنگ،
ولایت فقیه را به سایر کشورها صادر کند و پیروان با عرفا بدرا تحت سطره فقهی شیعه بکشا سسد.
حنگی که در عین حال به عنوان اسرار رژیم برای فریب خلق و مهاجران های داخلی نیرنه کار
می‌رود.

رژیم ولایت فقیه بنا به ماهیت خود، رژیمی است سرکوبگر. غلبه مردم وجود طبقات اجتماعی و
تفادهای طبقاتی که جامعه را به طور عینی تقسیم می‌کند، ولایت فقیه حق احزاب سیاسی که از منافع
طبقات اجتماعی مختلف دفاع می‌کنند، را نقض و انکار می‌کند. شدیدترین پیگردها متوجه نیروهای
مترقی است. کمونیسم سترزی و نه سرمایه داری است و بدولتوزی این رژیم است. شکنجه و اعدام
اسرارهای رسمی و قانونی حفظ حاکمیت ولایت فقیه است.

ولایت فقیه حق بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و اجتماعات، حق تشکیل صنفی و سندیکائی
را رد و آن را الگد مال می‌کند. ولایت فقیه حقوق فرد برای انتخاب آراء و اداره روش زندگی شخصی و
امور خصوصی را نقض می‌کند. زبان را رسماً شهروندان درجه ۲ می‌شناسد و دوزخترین و توهین آمیزترین
مفردات را علیه آنان به کار می‌بندد. ولایت فقیه حقوق اقلیت های ملی و مذهبی را به رسمیت
نمی‌شناسد و آنها را تحت حش تریس شکنجاری و تبعیض قرار می‌دهد. سرکوب خوین مردم کردستان،
ترکمن مجرا، بلوچستان و خلق عرب خورستان و اقلیت های مسیحی، یهود و حتی سنی، نمونه بارز
ماهیت ضد مکرکراتیک و ضد خلقی ولایت فقیه است.

تعدیس و تلاش برای کار بست معیارهای اخلاقی، اجتماعی و اداری عرصه بودالیم، عصر
برده داری و حتی مربوط به عصر حجر در جامعه امروزی، وجه مشخصه جمهوری اسلامی است. این رژیم

رسماً و با اعلام مروج رشت ترین پدیده های صدا خلافی، رفتارهای ضد انسانی، انا غفقتا را عتقتا بدو
سایر معاصدا احتضاعی است.

رژیم ولایت فقیه رژیمی است برپا به تار یک اندیشی، ستریا علم و بیقرت از فرهنگ، و ستر
ملی و مترقی. این رژیم کتخینه غنی فرهنگ ایران را تحقیر می‌کند و نا علم و جهل بیینی علمی
می‌سبزد. این رژیم با سوا، استغاده را احساسات مذهبی مردم، اخراقات قرون وسطائی را زیر و بیج
می‌کند. نویسندگان، دانشمندان، شعرا و هنرمندان کشور در معرض ابداء و توهین و بیگرد جمهوری
اسلامی قرار می‌گیرند. بسیاری از هنرها در جمهوری اسلامی عملاً، جز "گناه، کینیزه" نیستند.

بررسی مجموعه خصوصیات و عملکرد جمهوری اسلامی و نیروهای متشکله آن، نشان می‌دهد کینه
این حاکمیت قبل از همه مدافع منافع روحانیت و عمده ترین با بگاها اجتماعی آن، یعنی
سخنهایی از سوز و زاری بزرگ و متوسط و کوچک و مالکین اراضی است که عمدتاً با اختارهای مبتنی
و نا متکا مل نظام سرمایه داری ایران را در بر می‌گیرند. بدین لحاظ، این نظر طبقاتی حاکمیت است
سکست نیست و گزارش های متعلق به اقشار مختلف سوز و زاری در آن حضور دارد. رشد و پیشرفت
این صنعت در حکومت جناح سدی ایجا کرده است. یک جناح از فقهائ حاکم به بیشترین
منافع سازاران و ملاکین دفاع می‌کند و جناح دیگر طبقتی است که می‌کوشد در جمهوری اسلامی
منافع بخش وسیع تری از سرمایه داری ایران تامین شود.

سهم و نقش دولت در اقتصاد کشور و دامنه عمل سوز و زاری، طرق رشد سرمایه داری، بشیوه تبلیغی
دستگاه روحانیت و دستگاه دولت و نیز سرمایه زده قدرت، از عمده ترین سرچشمه های تضاد و کشاکش
جناحها در داخل حکومت است. جناح های جمهوری اسلامی همه فاقد خصیلت دموکراتیک و
ترقی خواهانه هستند. در نتیجه پیشرفت سرمایه زده قدرت و گسترش روندها باعث برآمد به سمت
تحول سیاست جمهوری اسلامی در راستای تقویت منافع و مواضع اقشار فوقانی جامعه، یعنی
کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است.

مجموعه ملاحظات فوق، بنا بر تضاد عمیق جمهوری اسلامی (ولایت فقیه) با منافع، تونده های
خلق و نیازهای رشد اجتماعی و اقتصادی کشور است. این رژیم منافع عمده تکامل و شکوفائی جامعه
ما و سد عمده راه تحقق مبرم ترین نیازها و آرزوهای همه مردم ایران است. شرط تقدم هرگونه
تحول انقلابی و دگرگونی های سپس ماسرکونی رژیم جمهوری اسلامی است.

۴- آرایش طبقاتی جامعه:

بی‌آدمتزرگ انقلاب سپس و ستر استقرا را حکمیت جمهوری اسلامی دگرگونی های بزرگی است
که در راست و آرایش طبقاتی جامعه دیده شد. طبقات و اقشار عمده جامعه ما عبارتند از: طبقه کارگر،
سوز و زاری، خرده سوز و زاری، روشنفکران، دهقانان، اقشار حاشیه ای شهری.

طبقه کارگر:

رشدنسانان و چشمگیر شمار کارگران و نیز رشد نسبی تمرکز کارگران در واحدهای بزرگ
صنعتی، در دهه های ۴۰ و ۵۰ نقش و وزن طبقه کارگر در اقتصاد و در حیات اجتماعی را افزایش داد.
در این دوده شمار بزرگی از دهقانان و اقشار روستایی به صفوف طبقه کارگر ستر بر شدند. طی آن طبقه
کارگر جوان ترند، به گونه ای که اکثریت بزرگ آن دارای کمتر از دوده سابقه کارگری و عموماً
دارای خوینا سدی سردک با توده دهقانان و اقشار غیر پرولتری شهری است.
استقرار ولایت فقیه، بی‌آدمه های جنگ و اوضاع اقتصادی کشور، در دهه ۶۰ ستر تمرکز کارگران
در واحدهای بزرگ تا ستر مخرب داشته و شمار وسیعی از کارگران را بیکار و بی‌صوفت اقشار غیر
کارگری جامعه رانده است. پس از انقلاب ستر جمع کارگران در واحدهای تولیدی کوچک و متوسط

عموما گسترش داشته است. بحران اقتصادی، جنگ و سیاست‌های ضدکارگری رژیم، فشار اقتصادی را بر طبقه کارگر به شدت افزایش داده و بخش بزرگی از کارگران ایران را به پذیرش شغل دوم و کسب مزد آردمگیر کارگری وادار کرده است.

عمده‌ترین لایه‌های طبقه کارگر ایران عبارتند از کارگران صنایع، کارگران خدماتی، کارگران صنوف و واحدهای کارگاهی (تولیدی و خدماتی)، کارگران ساختمانی و کارگران کشتاوری.

گرچه در صد کارگران واحدهای بزرگ در کل طبقه کارگر ایران پائین است، اما نقش آنان، بویژه نفتکاران، در اقتصاد کشور بسیار بالاست. کارگران واحدهای بزرگ صنعتی پیشروترین بخش طبقه کارگرند. بخش اعظم این لایه در واحدهای دولتی کار می‌کنند. زمین‌شکل پذیر آن‌ها بالاست، اما هنوز فاقد سازمان‌های منظمی مستقل خود هستند. اکثریت بزرگ طبقه کارگر ایران در واحدهای تولیدی و خدماتی کوچک پراکنده است. پراکنده‌گی فوق‌العاده، تکنیک پائین و بافت سنتی اکثریت این واحدها، درجه‌شکل پذیری کارگران این واحدها را پائین و زمینه نفوذ تالیات سا بر طبقات اجتماعی را در میان آنان بسازد.

کارگران ساختمانی که عموماً به کار بی‌مناهی و با موقت مشغولند، با افتخار حاشیه‌ای و بی‌روستاییان پیوند نزدیکی دارند. کارگران کشتاوری نیز بخش دیگری از طبقه کارگر به شمار می‌روند. آن‌ها عموماً مشاغل موقت و با فصلی دارند. کارگران کشتاوری دانشی هنوز کم‌نمایند و ساختار اجتماعی می‌دهند. سطح درآمد و نیز زمینه‌شکل پذیری و جذب حطت طبقاتی در میان آن‌ها بوده کارگران ساختمانی و کشتاوری، در مقایسه با سایر لایه‌های طبقه کارگر نسبتاً پائین است.

طبقه کارگر ایران زیرستم و تحت استثمای رشد سرمایه‌داری قرار دارد. فقر و محرومیت طبقه کارگر، پس از استقرار ولایت فقیه و بر اثر جنگ تشدید شده است. در حالی که در زمان بافتگی طبقه کارگر ایران در مقایسه با کشورهای مشابه پائین است. انقلاب سهمین آزمون بسیار بزرگی برای طبقه کارگر بود. انقلاب، که کارگران در تحقق آن نقش قطعی داشتند، سطح‌گامی کارگران را ارتقاء داد و شرایط ذهنی برای سازمان‌یابی و امکان‌پذیر شدن جنبش چپ و افکار سوسیالیستی را با مبارزه کارگران مساعدتر ساخت.

طبقه کارگر ایران، بیش از هر طبقه دیگر، در تحول انقلابی کشور ذینفع است. طبقه کارگر نیروی محرکه اصلی انقلاب و پیگیرترین نیروی مدافع صلح، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود.

طبقه کارگر می‌تواند با بهره‌گیری از انقلاب ایران را برعهده گیرد. طبقه کارگر با کلاس طبقه‌ای است که تا در است انقلاب دموکراتیک را به سوی پیروزی قطعی و نهایی، به سوی سوسیالیسم هدایت کند.

بورژوازی:

انقلاب بهمن وضع بورژوازی ایران را دگرگون کرد. سرمایه‌انحصاری وابسته برانداخته شد، سرمایه‌داری وابسته حاکمیت را از دست داده موقعیت آن در اقتصاد کشور ضعیف گردید و وارد شد.

پس از انقلاب در لایه بندی بورژوازی ایران، بورژوازی بزرگ تجاری، به رکن اصلی تبدیل شد، به سرعت فربه شد و برای تسخیر قلمروهای تازه شروع به تعرض کرد. این بورژوازی که امروز منافع کلان سرمایه‌داران ایران را به طور کلی نمایندگی می‌کند، خواهان مشروعیت سرمایه انحصاری، غارت‌خشن و لجام‌گسیخته کارگران و زحمتکشان، حذف و تحدید بخش دولتی اقتصاد و حفظ

بورژوازی و اسکای اقتصاد دموکراسی‌های امپریالیستی است.

بورژوازی بزرگ تجاری دارای مواضع بیرومند در حکومت است. یکپارچه ارتجاعی است و مخالف انقلاب و هر نوع تحول دموکراتیک در جامعه ما است. انقلاب می‌باید مواضع قدرتش را در سیاست و در اقتصاد کشور، سلب کند.

پس از انقلاب و سربازی گسترش نقش دولت در اقتصاد کشور، سلب تازه‌ای از سرمایه‌داران بورژوازی (دولتی) روست گسترش یافت. با مصادره بخش عمده‌ای از صنایع بزرگ و بانک‌ها و سایر توجه به سیاست سمت‌گیری رژیم، با هم‌زمان سرمایه‌های دولتی شده همچنان طبقه اصلی تولید و سرمایه‌داری اقتصاد کشور به‌شمار می‌روند.

رشد سرمایه‌داری دولتی، با توجه به ماهیت رژیم، زمینه پرورش نسل تازه سرمایه‌داری بورژوازی ایران را فراهم ساخت. پست‌های حاکمیتی اکنون در دست ملایان و بیزاران و سرآوردگان دکل و تا جزادگانی است که در غرب تحصیل کرده‌اند. آنها فخری از طبقه کارگر به‌شمار می‌روند و دولتی با بوروکرات‌ها را تشکیل می‌دهند که از طریق سوءاستفاده از بودجه و درآمدهای مؤسسات دولتی و با ارتقای رشوه و زدوبند، ثروت‌های کلان به جیب می‌زنند و فربه می‌شوند. جنگ و فساد رژیم، مساعدترین شرایط را برای غارتگری بورژوازی دولتی فراهم کرده است. بورژوازی بوروکرات حطت اصلی و ارتجاعی و ضد خلقی دارد و انقلاب می‌باید به نقش آنان در حیطات اقتصادی و اجتماعی کشور پایان دهد.

موقعیت بورژوازی بزرگ صنعتی با انقلاب تضعیف شد. واحدهای بزرگ صنعتی، که عموماً دولتی هستند، توسط تجار بزرگ هدف‌گیری شده‌اند. با این حال با توجه به ماهیت رژیم کنونی و وضع کشور، رشد سرمایه‌های بزرگ صنعتی کند است.

انقلاب و سرکونی سرمایه کلان وابسته و برجیده شدن سرمایه انحصاری، شرایط بسیار مساعدی برای رشد سرمایه‌های میانی و پائینی بورژوازی فراهم آورد. گرچه جنگ، سیاست امپریالیسم، وضع عمومی اقتصاد کشور، که تا زوری بورژوازی تجاری و بوروکراتیک و سلطه ولایت فقیه، مواضع عمده‌ای در راه رشد این بخش از بورژوازی ایران پدید آورده‌اند، با این حال این لایه‌ها در پرتوی اهداف انقلاب بهمن و به‌تکامل اعمال نفوذ در دستگاه‌ها که در مجموع، در پهنای رشد کرده و سهم بیشتری در اقتصاد کشور برعهده گرفته‌اند.

بخشی از این لایه‌ها که بیشتر در یافت قدیمی شهرها جای گرفته‌اند، با روحانیت و بی‌بازار پیوندهای تنگاتنگ تاریخی داشته‌اند و پس از استقرار ولایت فقیه موقعیت ممتاز اجتماعی کسب کرده‌اند. آن‌ها با نگاه رژیم اندوخته‌های بورژوازی را با فتنه به‌یاد رژیم عمل می‌کنند؛ اما منافعی عمومی لایه‌های میانی و پائینی بورژوازی ایران در تقابل با جنگ، استبداد سیاسی و به‌طور کلی، در تقابل با رژیم ولایت فقیه قرار دارد. اکثریت بزرگ این لایه‌ها مخالف ولایت فقیه است و گرایش‌ها لیبرالی-دموکراتیک دارند و از برخی خواست‌های دموکراتیک ملی، همچون آزادی سیاسی و استقلال پشتیبانی می‌کنند.

آن‌ها گرچه ممکن است در انقلاب‌اتی شرکت کنند، اما قطعاً قادر به تحول انقلابی جامعه نیستند. شرکت آنان در برخی اطلاعات ملی و دموکراتیک لزوماً با نوسان و تردید همراه است. دهقانان:

دهقانان در کشور ما نوده وسیعی هستند که به لایه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و وجه مشترک آنان کسب زمین است. دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، دهقانان میان‌حال و دهقانان مرفه عمده‌ترین لایه‌های دهقانان به‌شمار می‌روند.

دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین بر شما رترین قشر دهقانان به‌شمار می‌روند. کاررو می‌مالک شخصی کسب زندگی آنان را سی‌دهد و بدین لحاظ مجبور به کاررو زمین‌های دیگران (سهم‌بری،

حاره‌کاری، مردوری هستند. آنان در میان مهاجران اروپا به‌سبب عمده‌ها دارند. آن‌سده نزاری آن‌ها در صورت امارا حاد است. دهقانان سیرمیس و کم‌زمین سرسبزند که خاکی را در آنجا می‌کارند. امیرالاسم و کلان سرما به‌داری آنان را حاد حرات. و سوزواری دده و ملاکس آن‌ها را به‌دراستما می‌کند. دهقانان سیرمیس و کم‌زمین منحصر در یک طبقه کارگر به‌شمار می‌روند.

حیث عمده املاک و اراضی کشاورزی ایران در تملک دهقانان مانده‌اند و مرفه‌است. دهقانان مانده‌اند و زمین و وسایل کشاورزی به‌اندازه نیروی کار خانواده در تملک دارند. دهقانان مرفه‌تر از سیرمیس و کم‌زمین در زمین‌های شخصی، از نیروی کار دیگران سرسبز می‌کشند.

دهقانان ایران به‌طور عینی تشریحی مدام میراثیستی، ضدکلان سرما به‌داری و ضد بزرگ مالکی شناخته می‌شوند. دهقانان در تحول انقلابی جامعه ما دین‌دار و جزو نیروهای محرکه آن هستند.

تشکل دهقانان در سازمان‌های سیاسی و اجتماعی در بسیاری مناطق با دشواری‌های بسیار بزرگ مواجه است. گسترش متانتات سرما به‌داری در روستا، در دوده‌ها و خیر و نیر به‌طور مشخص انقلاب بنهمن، سطح آگاهی و درجه مشارکت دهقانان در جنبش ترقی‌خواه را بالا برده است.

رژیم می‌کوشد نفوذ و پایگاه خود را در میان روستاییان حفظ کند. در این کار سوء استفاده از احساسات مذهبی و جاهلی است. در زمین‌های دهقانان، به‌ویژه دهقانان مرفه، تا زمانی که از تیرا زین‌بند نزدیک داشته‌اند، جنگ، دفاع حکومت از بزرگ مالکان و آن‌سوه مسائل خادروستاها، زمینه را برای مقابله‌نوده دهقانان با رژیم و اتحاد با سایر کشاورزان و موزکراتیک کشور، ضامن می‌آورد.

بخش بزرگی از نوده‌های مناطق روستایی عشا بره‌تند. آن‌ها در چوب مناسبات عقب مانده ایلی - عشیرتی اسیرند. بخشی از عشا برهنوز کوچک‌ترین هستند و از محروم‌ترین گروه‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند. نوده عشا به‌علاوه برستم‌خان از عقب ماندگی معرط روابط ایلی - عشیرتی و دردهای ناشی از آن رنج می‌برند. این روابط هم‌چنین مانع رشد فعالیت و مبارزه حق طلبانه مستقل نوده عشا بر است. قشر نندی عشا برکما بیش‌شبه دهقانان است. بزرگ مالکان :

بنا بر اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ و تغییرات وسیعی که در مناسبات ارضی پدید آمدند، متوال‌ها به‌مثابه یک طبقه، از ترکیب آرایش طبقاتی جامعه حذف شدند. اما بزرگ مالکی در اشکال نیمه‌سرما به‌داری و سرما به‌داری به‌حیات خود ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب بنهمن هم نوده دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین املاک بزرگ مالکان را مورد تعرض قرار داده و در برخی مناطق موفق به تصرف آن‌ها شدند. این تعرضات بزرگ مالکی را تضعیف کرده و خرده مالکی را تقویت کرد. با این حال بزرگ مالکان هم‌چنان املاک بزرگی را هنوز در مالکیت خود حفظ کرده و نوده وسیعی از دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را تحت استثمار خود درآوردند و تحت حمایت رژیم فاشیستی پس گرفتن مواضع از دست رفته، تعرض می‌کنند.

بزرگ مالکان عمدتاً حطت بورژوا - ملاکی دارند. به‌علاوه آن‌ها از دیرباز با دستگاه روحانیت پیوندهای محکم داشته‌اند. بزرگ مالکان نیروی ارتجاعی اند که می‌باید با احیای اطلاعات ارضی دموکراتیک به‌نفع آنان در اقتصاد کشور، پایان داد. خویش عشا بری بی‌چنین خطتی دارند.

اقشار میانی:

اقشار میانی جامعه ما، گروه‌های اجتماعی وسیع و مختلفی را در بر می‌گیرد که عمده‌ترین آن‌ها: عا رفتن از کسه و پیشه‌وران (خرده‌بورژوازی)، روشنفکران، و کارمندان، و کسه و پیشه‌وران :

کسه و پیشه‌وران و انبوه تولیدکنندگان خرد (خرده‌بورژوازی) بخش کثیرا المعنده‌ای هستند. علیرغم داشتن سرما به‌خرد، بدون بهره‌گیری از نیروی کار خود، قادر به گذران حیات نیستند. در میان آنان تمایلات ضد امیرالیستی و عدالت‌خواهانه نیرومیداست. آن‌ها به‌طور عمیق‌نوم‌ان، سوسا لسم و سادات طبقه کارگریم دارند. این تمایلات به‌حیاط در انقلاب بنهمن بروز یافتند. این اقشار در انقلاب دموکراتیک و ضد امیرالیستی فعالانه شرکت می‌کنند. منافعی عینی و تاریخی آنان با نیازهای بیشتر انقلاب انطباق دارد. اما شرکت آنان در رویداد پیشرفت انقلاب به‌سوی سوسا لسم، با تردید و تزلزل و گاه عقب‌گرد در آمیخته است. در انقلاب بنهمن، رژیم در میان لایه‌های قدیمی ترخرده‌بورژوازی، به‌ویژه آنان که با فتن محلات قدیمی شهرها را تشکیل می‌دهند، هنوز دارای پایگاه است. اما توده‌های وسیع خرده‌بورژوازی شهری، عموماً با رژیم موجود، به‌ویژه با جنگ، با حاکمیت آخوندی و سیطره تجار محافظه‌کار و خواست‌های دموکراتیک، فعالانه پشتیبانی می‌کنند.

روشنفکران:

رشد سرما به‌داری در دهه‌های اخیر با رشد سریع‌تر روشنفکران همراه بوده است. و کشور بسیار اکنون صاحب شمار بزرگی از دانشجویان و کارکنان فکری، از جمله معلمین باستان، و متخصصین علمی، هنرمندان و گروه‌های مشابه است. آن‌ها نقش مهمی در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور برعهده دارند. اکثریت بزرگ روشنفکران میهن‌ماداران تمایلات دموکراتیک و ضد امیرالیستی هستند. روشنفکران خلقی در تاریخ مبارزات ملی و دموکراتیک ایران و در رهبری آن همواره نقش بسیار مومتری داشته‌اند. آن‌ها خود را در کار رتوده زحمت‌قرا می‌دهند و از تحول انقلابی جامعه جانبداری می‌کنند. بخش کوچکی از روشنفکران با اقشار ریلانی جامعه پیوند دارند و از منافع آن‌ها دفاع می‌کنند. آن‌ها با خود را به رژیم حاکم فروخته‌اند و با زبان‌دهی وابسته به امیرالیسم حمایت می‌کنند.

نیروی اصلی تمام سازمان‌های ترقی‌خواه ایران را روشنفکران خلقی تشکیل می‌دهند. سهم روشنفکران خلقی در مبارزه علیه رژیم حاکم و در مبارزه به‌خاطر طرح دموکراسی و پیشرفت اجتماعی برجسته است. بخش بزرگی از این قشر به صفوف پیشاهنگ طبقه کارگر پیوسته و از سوسا لسم جانبداری می‌کنند. کارمندان:

کارمندان بخش دولتی و خصوصی به‌جهت گستردگی بخش خدمات و وسعت دستگاه بوروکراسی و ماشین‌های سرکوب دولتی، نیروی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای هستند. اکثریت بزرگ کارمندان، بگم در دهه‌های میانی و ابتدای دولتی و موسسات خصوصی به‌کار می‌نشینند. آن‌ها خود تمایلاتی کمابیش مشابه با اقشار میانی سروز می‌دهند. آن‌ها از وضع موجود به شدت ناراضی و بدون نسبت به آینده خود شکی ندارند. سیاست‌های رژیم، وضع آنان را روز بروز بدتر می‌کند. فبا در دستگاه اداری نیزه‌زبان آن‌ها عمل می‌کند. این گروه اجتماعی از خواست‌های دموکراتیک و عموم خلقی جانبداری می‌کند و در انقلاب دموکراتیک فعالانه شرکت خواهد داشت. در میان نیروهای مسلح، به‌ویژه در ارتش، نیز در میان رده‌های میانی، تمایلات دموکراتیک و در رژیم سروزمند است. این تمایلات در کار درسیا و کمیته‌ها نیز روزه رشد می‌کند.

دردهای سالی دستگا ه بوروکراسی و ارتش و نیز برخی موسسات عمده خصوصی تمايلات ضد دموکراتیک ، محافظه کارانه و ارتجاعی مسلط است . عناصر این رده ها که بخش کوچک مجموعه کارمندان را تشکیل می دهد ، در روند گسترش جنبش و انقلاب عموماً در مقابل آن ، در خدمت ارتجاع خواهند بود .

اقتشارحاشیه ای :

رشد سرمایه داری وابسته ، از "بالا" ماحضان واحدهای تولیدی خرد و شهروروستا را خانه خراب می کند و به افلاس می کشاند ، بدون آنکه قادر باشد شصه آنان را در تولید سرمایه داری جذب کند . این نوع رشد گه ایران آن را در دوده اخیر تجربه کرد ، زندگی خیل وسیعی از دهقانان را بر باد داد و آنان را به سوی کمربند فقر که برگرد شهرهای بزرگ بسته می شد ، برتاب کرد .

این گروه تهیدست بی آنکه شغل پایداری برای خود بیابند ، در حاشیه طبقات زحمتکش قرار گرفته و زندگی فلاکت باری را می گذرانند .

اقتشارحاشیه ای جز طبقه کارگر ، خرده بورژوازی شهری و گروه های اجتماعی بی طبقه نیستند . آنها در یافت طبقاتی جامعه در حاشیه اقتشار طبقات زحمتکش شهری قرار گرفته و به طرق مختلف و عموماً به طور موقت ، در سازمان اجتماعی کار سهیم هستند ، بر میزان اقتشارحاشیه ای مرتباً افزوده می شود .

رژیم ولایت فقیه می گوید ، اقتشارحاشیه ای را با توسل به باورهای مذهبی شان جذب کند و از نیروی آنها به سود خود بهره برداری نماید . آنها نقش فعالی در انقلاب بهمن داشتند .

این اقتشارداری تمايلات طفیان گرا یا نه علیه نظام سرمایه داری هستند ، این تمايلات را می توان در خدمت طبقه کارگر و توده های زحمتکش سازمان داد . آنها قدرت جذب در جنبش انقلابی را دارند . در عین حال تجربه شماری از کشورها نشان می دهد که این اقتشار ممکن است در شرایطی همچون لمین پرولتاریا به اهرمی در دست نیروهای فاشیستی و خودکام تبدیل شوند .

شمار لمین پرولتاریا نیز بعد از انقلاب با توسعه کارهای انگلی افزایش یافته است . تجربه نشان می دهد که لمین پرولتاریا در بیکارمیان طبقات اجتماعی عموماً در خدمت ارتجاع قرار گرفته اند .

فصل پنجم

برای پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک با چشم انداز سوسیالیستی

برای تحقق خواسته های توده مردم و غلبه بر بحران ، جامعه ما درعرصه های گوناگون حیيات اجتماعی ، به یک تحول انقلابی و دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است . شرط ضرور تحول انقلابی و دموکراتیک در جامعه ما ، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ، پایان دادن به حاکمیت کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و انتقال قدرت به طبقات و اقتشار دموکراتیک جامعه ما است . استقرار دموکراسی کامل سیاسی ، تأمین استقلال اقتصادی کشور و دموکراتیزه کردن حیيات اقتصادی و اجتماعی جامعه ما ، ایجاد پیوند نزدیک با نیروهای مترقی و انقلابی جهان از مرم ترین وظایف انقلاب در کشور ما است .

انقلاب در کشور ما با توجه به سرشت دوران کنونی و به جهت سطح تکامل جامعه ، خصمیت تضادها و آرایش نیروهای طبقاتی ، انقلابی است دموکراتیک ، فدا میزبالیستی با چشم انداز سوسیالیستی . انقلاب دموکراتیک و پیروزمند و انقلاب سوسیالیستی در کشور ما ، دو مرحله از یک روند واحد است .

سروری سپاهی انقلاب دموکراتیک با فرا روی آن به سوسیالیسم گره خورده است . انقلاب ایران انقلابی بورژوازی نیست و با ختم نبل و واسطه سوسیالیسم نیز در دستور آن قرار ندارد . انقلاب ایران راه سرمایه داری را قطع می کند و از طریق انجام یک رشته وظائف انتقالی ، شرایط ضروری برای گذر به سوسیالیسم را آماده می کند .

نیروهای محرکه انقلاب ایران عبارتند از طبقه کارگر ، دهقانان ، خرده بورژوازی ، روشنفکران خلقی و سایر اقشار زحمتکش شهری . طبقه کارگر ایران انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است . بخش های از بورژوازی ملی نیز که در برخی اصلاحات ملی و دموکراتیک دخیلند ، ممکن است در انقلاب شرکت کنند ولی آنها قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند .

در انقلاب ایران علاوه بر طبقه کارگر ، نیروهای طبقاتی دیگر نیز شریک و ذینفعند و تلاش می کنند سرکردگی خود را در انقلاب تأمین کنند . سرنوشت انقلاب با امر سرکردگی آن گره خورده است . پیشرفت پیگیری و فرجام رسانیدن انقلاب دموکراتیک در گرو تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب و در قدرت سیاسی است . سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تمام قوا در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب به مثابه اساسی ترین وظیفه استراتژیک خود ، مبارزه می کند . انجام این وظیفه ، مستلزم آن است که طبقه کارگر متحد شود ، ناپیگیری بورژوازی ملی را خنثی سازد و بتواند سایر اقشار خلق را به سوی خود جلب کند .

برای دستیابی به این هدف ، سازمان پیگیرانه در راه تأمین وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی ، در حزب واحد طبقه کارگر ، در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر ایران مبارزه می کند .

اتحاد نیروهای محرکه انقلاب در جنبه متحد خلق که استخوانبندی آن را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می دهد ، لازم این انقلاب است . تأمین این اتحاد از وظایف اساسی پیشاهنگ طبقه کارگر است . در راه رسیدن به این جنبه ، سازمان از تأمین و گسترش همکاری و اتحاد عمل با تمام نیروهای مترقی کشور ، علیه رژیم جمهوری اسلامی استقبال می کند .

حاکمیت انقلابی خلق ، بر اتحاد و اراده واحد طبقه کارگر ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی متکی است و ابزار آن دولتی دموکراتیک و انقلابی است که با بدبختی طبقه کارگر برای مرحله کنونی انقلاب راه اجراء گذارد . درجه پیگیری این دولت در اجراء برنامه مذکور ، با میزان سهم و نقش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این حاکمیت ، بستگی می یابد .

انقلاب کارآفریننده توده هاست . قهرمانی افراد و یا مزم سازمانهای سیاسی ، بدون آمادگی شرایط عینی انقلابی ، قادر به تحقق انقلاب نیست . انقلاب نیازمند آمادگی شرایط عینی و ذهنی انقلابی است .

رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است . حاکمیت موجود برای ادا حیيات خود ، اساساً ، به اعمال قهر ضد انقلابی متکی است ، تنها راه انتقال قدرت سیاسی به خلق اعمال قهر انقلابی است . سازمان در بیکار علیه رژیم حاکم تمام اشکال مخالفت آمیز و قهرآمیز مبارزه توده ای را به کار می گیرد .

فصل ششم - برنامه حاکمیت انقلابی خلق

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعتقاد راسخ دارد که شرط ضروری برای انجام تحولات دموکراتیک و انقلابی در جامعه ما ، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است . مقدم ترین وظیفه این حاکمیت ، قطع فوری جنگ ایران و عراق و پذیرش صلح و اعلام آزادی کامل سیاسی است .

شکل حاکمیت انقلابی خلق ، جمهوری و ابزار اعمال آن ، دولت دموکراتیک و انقلابی است که

سازیم کس ماسن حکومتی و نظام سیاسی؛
۱- تشکیل شورای عالی نمایندگان خلق به معنای نمایندگی تمام مردم، با اختیارات کامل در زمینه تدوین و تصویب کلیه قوانین، نظارت بر صحت اجرای آنها، و در زمینه گرسسی حساب دولت و همه مقامات طرا اول حکومتی.

الف - در زمینه سیاسی

۲- تشکیل شوراهای نمایندگان خلق در سراسر کشور و احوال قدرت دولتی در اداره کلیه امور محلی به آنها.

۳- تأمین حق رای همگانی، برابر و مستقیم و مخفی در انتخابات شورای عالی نمایندگان خلق و تمام ارگانهای خودگردان محلی و تأمین حق انتخاب شدن در تمام انتخابات برای کلیه افراد ۱۸ سال به بالا.

۴- تشکیل نیروهای مسلح خلقی به جای سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی.

۵- تأمین استقلال کامل قوه قضایی کشور و انتخاب مستقیم قضا و هیئت های مستقیم توسط مردم.

۶- تفکیک دین از دستگاه دولتی.

حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی:

۱- انحلال بلادرنگ نهادهای سرکوب و تعقیب عقاید و عقول کلیه قوانین و احکام ارتجاعی معایر حقوق خلق.

۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو بگرد تمام عناصر مترقی و انقلابی، اعاده حیثیت و تأمین حقوق با مال شده آنان.

۳- تأمین و تضمین آزادی تشکیل احزاب سیاسی و سندیکا، اتحادیه و سایر تشکلهای صنفی، اجتماعی و سیاسی.

۴- ممنوعیت هرگونه شکنجه و تعقیب عقاید، ممنوعیت دخالت دولت در زندگی خصوصی افراد، تأمین آزادی بی قید و شرط بیان، عقیده، دین، قلم، مطبوعات، اجتماعات، نظارات، حق اعتصاب، انتخاب شغل، محل سکونت، مسافرت، تابعیت، انتخاب لباس، آزادی دفاع در محاکم و برخورداری از امنیت شغلی.

۵- لغو هرگونه تبعیض در حقوق فردی و اجتماعی افراد بر پایه مذهب، عقیده، جنسیت، نژاد، ملیت و موقعیت طبقاتی.

سیاست خارجی:

۱- دفاع از تمامیت ارضی کشور، کوشش در راه تحکیم استقلال سیاسی و تأمین استقلال اقتصادی کشور.

۲- لغو وضع انعقاد قراردادهای نابرابر و نابرابری برای استقلال سیاسی و رشد اقتصادی کشور.

۳- اتخاذ سیاست خارجی بر پایه اصول همزیستی، مساومت آمیز، عدم تعهد، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و احترام به حق حاکمیت آنها، عدم ورود به پیمانهای تجاوزگرانه نظامی و شبه نظامی، شرکت فعال در جنبش غیر متعهدها.

۴- عقد قراردادهای دو جانبه عدم تجاوز و حوس همجوار با تمام کشورهای همسایه و تلاش در راه انعقاد قرارداد امنیت دسته جمعی در خلیج فارس، اقیانوس هند و سایر قاره آسیا و تبدیل آنها به مناطق صلح.

۵- گسترش و تحکیم مناسبات برادرانه با کشورهای سوسیالیستی و ترقی خواه سراسر جهان.

۶- دفاع از ملل و ملت های و امنیت خلقها و مبارزه علیه سیاستهای جنگ، افروزش و تجاوز و زکراته امپریالیسم جهانی.

۷- حمایت قاطع از جنبش طبقه کارگر، جنبش های رهاشی، جنبش و جنبش بوده ای، دمکراتیک علیه جنگ، نژادپرستی و امپریالیسم در سراسر جهان.

مسئله ملی:

ایران کشوری است کثیرالملله که در آن خلقهای فارس، آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب با هم زندگی میکنند. آنان دارای سرزمین، زبان، آداب و سنن و ویژه خود هستند و رسته های گوناگون تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها را با هم پیوند میدهد. خلقهای کشور نمی توانند بر پایه پذیرش وادارانه متحد شده و در چهارچوب مبنی واحد، به سیاستمان جامع بنویسند. بپردازند.

برای تأمین این هدف، اقدامات زیربایستی صورت گیرد:

۱- شناسایی حق کلیه خلقهای باک کشور در تعیین سرنوشت خویش و پایان دادن به هرگونه تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین خلقهای کشور، تحقق کامل حق خودمختاری برای همه خلقهای کشور.

۲- تضمین حق اقلیت های ملی - مذهبی در برخورداری از کلیه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و لغو هرگونه تبعیض قانونی و اجتماعی علیه اقلیت های مذهبی و افراد غیر مذهبی.

۳- انجام اقدامات ضروری برای غلبه بر عقاید مانده های اقتصادی، اجتماعی ناشی ازستم ملی.

۴- لغو تبعیضات نفاق افکنانه کشوری و تنظیم آن بر پایه مناطق ملی.

ب - در زمینه اقتصادی

براندازی بزرگ مالکی - شکوفاسازی اقتصاد کشاورزی:

۱- اجرای اصلاحات ارضی، دموکراتیک به صورت واگذاری املاک زمینداران بزرگ و اوقاف به دهقانان بی زمین و کم زمین.

۲- لغای بقایای اشکال استثماری و استثماری، لغو سهم بری، نصفه کاری، اجاره کاری و غیره.

۳- تشویق دهقانان به ایجاد وادار طلبانه تعاونیهای کشاورزی، کمک همه جانبه به این تعاونیها از طریق وام، تأمین ماشینآلات کشاورزی، بذر و کود و سموم، سوخت و غیره.

۴- لغو اجران دیون و بهره های معوقه دهقانان.

۵- ایجاد موسسات کشت و صنعت، بهره برداریهای بزرگ کشاورزی و ادارای با سرمایه و مدیریت دولت.

۶- تضمین قیمت و خرید مازاد محصولات کشاورزی توسط دولت، پایان دادن به غارتگری سلف خرها و واسطه ها.

۷- افزایش سطح زیرکشت کشور با احیا زمین های موات و بایر، مهار آبها، توسعه و ترمیم شبکه های آبرسانی و استفاده کامل از آبهای زیرزمینی.

۸- ملی کردن جنگلهای، چراگاهها، آبهای زیرزمینی، حفظ و احیای محیط زیست، گسترش جنگلهای و منابع صید.

- ۹- تامین خدمات بهداشتی، آب آشامیدنی، حمام و مدرسه برای مناطق روستایی و عشایری، گسترش و تکمیل شبکه راههای روستایی و تجهیز روستاها به برق و مخابرات .
- ۱۰- دایر کردن آموزشگاههای فنی در مناطق روستایی و تربیت کارمندان تخصصی برای کشاورزان .
- ۱۱- کوتاه کردن دست خاکی و روسای عشایر از زندگی توده‌های عشایری، کمک به اسکان آنان ، تامین خدمات تولیدی و معیشتی و ایجاد واحدهای صنعتی کشاورزی و دامداری به صورت تعاونی و دولتی در مناطق عشایری .
- ۱۲- بهبود شرایط کار و زندگی کارگران کشاورزی و اجرائی، قانون کار و تامین اجتماعی در مورد آنان .

برای تامین استقلال ، رشد و عدالت اقتصادی :

- ۱- لغو کلیه قراردادهای نابرابر و زیانبار ، براندازی مواضع انحصارات دولتی امپریالیستی در اقتصاد کشور و عدم اتکا به سرمایه خارجی در توسعه اقتصادی کشور .
- ۲- ملی کردن موسسات و کارخانجات کلان سرمایه داران و اوقاف ، صندوقهای قرض الحسنه ، شرکتیهای بیمه و حمل و نقل عمومی و تمرکز آنها در موسسات واحد ، منع تشکیل بانک و سایر موسسات مالی توسط بخش خصوصی . ملی کردن بازرگانی خارجی و حمایت از تولیدات داخلی ، اولویت برای رشد صنایع بنیادی در معاملات خارجی .
- ۳- تعیین بخش دولتی و تعاونی به مثابه ارکان اقتصاد کشور و کنترل و نظارت بر بخش خصوصی و تامین شرایط فعالیت آن به عنوان مکمل بخش نخست . تمرکز رشته‌های کلییدی اقتصاد در مالکیت و مدیریت دولت .
- ۴- تضمین حاکمیت کامل ایران بر تمام روندهای اکتشاف ، تولید ، تصفیه و فروش نفت و گاز ، توسعه پالایشگاهها ، صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به منظور جایگزینی صدور محصولات نفتی و پتروشیمی به جای صدور نفت خام طبق برنامه آینده نگرانه برای تامین سرمایه‌های ضروری برای توسعه اقتصادی کشور ، گنجانده شدن سیاست "نفت خام در برابر کالاها"ی مصرفی" .
- ۵- دگرگون سازی ساختار موزون ، عقب مانده و وابسته اقتصاد کشور را بطریق شکیبایی گسترش صنایع پایی و سنگین ، بویژه صنایع ماشین سازی ، صنایع نفت و پتروشیمی ، تغییر خط تولید صنایع مونتاژ به صنایع مستقل با تولیدات کالاهای ضروری ، گسترش مراکز تولید برق و شبکه برق رسانی و شبکه راه‌ها بویژه راه آهن .
- ۶- تشویق ماحیان کارگاههای کوچک صنعتی و خدماتی به تشکیل تعاونیهای تولیدی ، واگذاری اعتبارات مالی به آنها و تامین مواد اولیه و وسائل کار مورد نیاز آنان ، ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای گسترش صنایع دستی ، هنری و ملی .
- ۷- سپردن توزیع عمده کالاهای وارداتی و محصولات واحدهای بزرگ تولیدی و تمام کالاهای اساسی به مراکز دولتی ، حمایت و تقویت تعاونیهای مصرفی ، مبارزه با واسطه‌گری در توزیع ، کمک به فروشندگان جزء ، قیمت گذاری کالاهای وارداتی و محصولات داخلی . گسترش شبکه خرده فروشی دولتی در کنار شبکه خرده فروشی خصوصی و تعاونی .

برنامه ریزی رشد اقتصادی ، بودجه گذاری

- ۱- حرکت در جهت رسیدن به اقتصاد طبق نقشه و برنامه ریزی شده ، تقویت مرکزیت و تقویت دگرگونی در تولید .
- ۲- ایجاد تعداد ضروریان انباشت و مصرف تولید ملی ، مصرف عمومی و مصرف خصوصی .

- ۳- توسعه واحدهای تولیدی و خدماتی در مناطق مختلف اقتصاد ، سامان توسعه اقتصادی مناطق مختلف کشور و سرمایه‌های توسعه اقتصادی با توسعه اجتماعی و فرهنگی .
- ۴- دموکراتیزه کردن ساختار موسسات دولتی و سازمانها با بوروکراسی ، پیشه‌کن کردن سادوسو ، اسفاده از دانشهای طبعی ، صحرادستانه دولتی با کارهای و فواید به خلق .
- ۵- بهره‌جویی از دستاوردهای انقلاب علمی- فنی در تولید ، اطلاع میداوم شیوه‌های مدیریت اقتصادی در جهت کاهش بوروکراسی و کاهش هزینه تولید و بالا بردن بارده کار .
- ۶- تامین بودجه کشور از طریق ما را در اقتصاد بخش دولتی و تبدیل مالیاتها به منبع کمکی ، انحصار مالیات و بودجه گذاری در جهت حفظ منافع زمینداران ، جبران عقب ماندگی مناطق محروم ، و تامین شرایط برابر برای رشد اقتصادی - اجتماعی مناطق اقلیت‌های ملی و سایر مناطق کشور .

چ- در زمینه مسائل اجتماعی

حقوق کار :

- ۱- تدوین قانون کار و قانون تامین اجتماعی فراگیر بر پایه موازین دموکراتیک و مشارکت نمایندگان سازمانهای صنعتی مستقل کارگری .
- ۲- تامین اشتغال و تضمین امنیت شغلی برای کلیه افراد جامعه ، برپاداشتن حق بیمه به یکبار .
- ۳- تامین حق تشکیل سازمانهای صنعتی مستقل کارگران واحدهای تولیدی و خدماتی کشور .
- ۴- حق مداخله اتحادیه کارگری در حل و فصل مسایل مربوط به سازماندهی تولید ، شرایط کار و سایر امور مشابه .
- ۵- تضمین حداقل دستمزد متناسب با نیازهای مادی و معنوی یک خانواده زمیندار و ترمیم بالادان ، متناسب با سطح هزینه‌ها و متناسب با کمیت و کیفیت کار .
- ۶- تضمین حق اعتصاب برای تمام کارگران و کارکنان جهت دفاع از حقوق و منافع خود .
- ۷- اجرای ۴۰ ساعت کار و دور روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه برای کلیه مزدگیران و فراهم آوردن امکانات لازم برای استفاده از آن . ممنوعیت اضافه کاری ، تعیین حداکثر ۳۵ ساعت کار در هفته برای مشاغل سنگین و زیانبار برای سلامتی کارگران .
- ۸- به رسمیت شناختن حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی با کارفرما و دولت برای تشکیلهای کارگری .
- ۹- تدوین طرح ارتقای ارزشیابی مشاغل ، تامین امکانات لازم برای کسب آموزشهای فنی ، حرفه‌ای و عمومی و ترفیع سطح تخصص کارگران و دیگر مزدگیران .
- ۱۰- تامین حق برخورداری کارگران زن از مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان ، برخورداری از حق برابر مردان در اشتغال ، ترفیع و امکانات آموزشی ، برخورداری از حقوق منصفانه و ویژه مادران و معاقبت از کارهای شاق بدنی و مشاغل زیانبار .
- ۱۱- ممنوعیت کار کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال ، تامین حق برخورداری کارگران ۱۵-۱۸ سال از حقوق منصفانه و ویژه .
- ۱۲- تامین مسکن مناسب برای همه کارگران .
- ۱۳- تامین و مسائل ایمنی و بهداشت در همه واحدهای کار ، تامین حق بازرسی کار توسط نمایندگان سازمانهای صنعتی کارگران .
- ۱۴- اعلام اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) به عنوان روز کارگر و تعطیل رسمی در کشور .

حقوق زنان :

- ۱- العای کله فوانین ارتجائی جمهوری اسلامی در مورد زنان .
- ۲- تامین برابری کامل حقوق زنان با مردان در زمینه اشتغال، تحصیل، همسرگزینی و طلاق، سرپرستی کودکان، ارث، حق قضاوت، شهادت دادن و سایر شؤون اجتماعی.
- ۳- ممنوعیت چندهمسری، افزایش سن قانونی ازدواج برای دختران.
- ۴- تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در ادا راه کشور.
- ۵- حمایت از خانواده‌های سرپرست و بیوگان، ایجاد مهدکودک‌ها و شیرخوارگاهها در جنب واحدهای تولیدی و ادارات و در محلات .
- ۶- معافیت زنان از اشتغال در کارهای شاق.
- ۷- تامین حداقل ۴ ماه مرخصی زایمان برای زنان شاغل با استفاده از حقوق.
- ۸- آزادی تشکیل سازمانهای دمکراتیک زنان و تامین حقوق آنان برای فعالیت سیاسی و اجتماعی و ایجاد و گسترش مسابقات با جنبش دمکراتیک بین المللی زنان.

تامین مسکن :

- ۱- تکلیف بر بخش دولتی و تعاونی جهت تامین مسکن مناسب برای کارگران و زحمتمکشان شهرودها با قیمت ارزان، تامین و آموزش زمین برای خانه سازی شخصی.
- ۲- ممنوعیت تجارت و بورس با زمینهای شهری و غیرقانونی کردن احتکار مسکن، محاصره مجتمعهای مسکونی و مستغلات زمینداران بزرگ و کلان سرمایه داران.
- ۳- کاهش اجاره بها مسکن و حمایت از حقوق مستاجرین .
- ۴- تامین زمین رایگان و تسهیلات برای تعاونیهای مسکن کارگران و کارمندان.
- ۵- اجرای برنامه‌های وسیع خانه سازی با سازی نواحی مسکونی مناطق جنگلی

تامین بهداشت و درمان همگانی :

- ۱- توسعه سیستم دولتی بهداشت و درمان و رایگان کردن خدمات آن، توزیع عادلانه خدمات بهداشتی و درمانی در شهر و روستا .
- ۲- ایجاد و گسترش سیستم بیمه همگانی برای تمام افراد جامعه. تامین حق بیمه از طریق درآمدهای عمومی و درآمد موسسات .
- ۳- تأسیس شبکه‌های وسیع تربیت کار در بهداشتی و درمانی، ایجاد دبیرستانها، درمانگاهها، زایشگاهها، مراکز بهداشتی و آسایشگاهها در شهرها و روستاها، ارائه سیستم‌های سیار پزشکی خدمات بهداشتی و درمانی و داروئی و آزمایشگاهها. ایجاد مراکز خاص برای معلولین و بیماران درمان ناپذیر، تیمارخانه‌ها و سالمندان و برای بیمه‌ریهای مسری.
- ۴- تامین بهداشت محیط کار و زندگی و مبارزه جدی با آلودگی روزافزون و تخریب محیط زیست .
- ۵- واکسیناسیون همگانی و اجباری . مبارزه با امراض واگیردار .

تامین آموزش همگانی :

- ۱- ریشه کن کردن بیسوادی در کشور .
- ۲- اجباری و رایگان کردن دوره‌های آموزشی ابتدائی و راهنمایی و ایجاد شرایط مساعد برای آموزش عالی به طور رایگان . ایجاد توسط شبکه کودکتانها، دبستانها، دبیرستانها و مدارس حرفه‌ای . گسترش دانشگاهها و مدارس عالی .

- ۳- ایجاد پیوند نزدیک بین مدارس و کار تولیدی و تطنیق آموزش نظری و عملی .
- ۴- دگرگونی بنیادی نظام آموزشی کشور، زدودن اندیشه‌های خرافی و ارتجائی از محیطهای آموزشی، حذف کلیه مطالب ضد علمی و ضد ملی و خرافی از کتب آموزشی، لغو تدریس اجباری دروس مذهبی در کلیه موسسات آموزشی .
- ۵- پرداخت کمک هزینه مستمر به کلیه دانشجویان موسسات عالی آموزشی .
- ۶- لغو هرگونه تبعیض در امر آموزش بر پایه زبان، عقیده، مذهب، قومیت، نژاد و سبب، تامین امکانات آموزش زبان مادری در تمام سطوح تحصیلی .
- ۷- تامین شرایط زندگی مناسب برای معلمان، استادان و کارمندان فرهنگی، ایجاد امکانات لازم برای ارتقا سطح علمی و آموزشی معلمان و استادان .

حوانان :

- ۱- لغو تمام فیوود و تسهیلات ارتجائی حاکم بر زندگی جوانان، پایان دادن به اختناق حاکم بر مدارس و دانشگاهها و سایر محیطهای آموزشی، تامین حق آزادی اندیشه و فعالیت سیاسی برای جوانان . زدودن انگار مسموم نوسیم اسلامی، تاریک اندیشی، خرافه پرستی، گرایشهای آنا رشیستی در بین جوانان .
- ۲- تامین حق جوانان و دانشجویان برای تشکیل سازمانهای آزادی دموکراتیک، فراهم آوردن شرایط ضروری برای ایفای نقش فعال و موثر آنان در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور. تضمین حق آنان برای سطح مناسبات و همکاری با سایر سازمانهای جوانان در عرصه بین المللی .
- ۳- ریشه کن کردن انحرافات اخلاقی، سوز آلودگی جوانان به مواد مخدر و ایجاد مراکز تربیتی جوانان در مقیاس کشور، فراهم آوردن امکانات همه جانبه و همگانی برای رشد روز افزون قابلیت‌های جوانان و دانشجویان در عرصه‌های هنری، ادبی، علمی و ورزشی .

فرهنگ و هنر، علوم و تکنولوژی :

- ۱- زدودن کلیه تحلیلات و تاثیرات ارتجائی و قرون وسطائی ناشی از سلطه رژیم ولایت فقهی و سرکوار رسنای حیات معنوی جامعه . مبارزه با کلیه مظاهر فرهنگ و اخلاق منحبط و سوداگرانه بورژوازی و نفوذ فرهنگ نواستعماری امپریالیسم جهانی .
- ۲- اشاعه همه جانبه علوم و تکنولوژی، بهره‌گیری از دستاوردهای آن در تامین خودکفائی، تربیت کارمندان متخصص فنی و علمی، تشویق طراحان، مهندسان و مخترعین .
- ۳- احیا و گسترش فرهنگ و هنر ملی، مترقی و مردمی، فراهم آوردن شرایط مساعد برای شکوفائی فرهنگ و هنر خلقها .
- ۴- تامین آزادی فعالیت نویسندگان و هنرمندان و سازمانهای آنها، حمایت از تأسیس مراکز هنری، گالریهای شعرا، نویسندگان و دیگر هنرمندان، ایجاد امکانات مساعد برای رشته‌های گوناگون هنری و خلافت هنرمندان و نویسندگان .
- ۵- گسترش مبادلات فرهنگی و هنری با سایر ملل .
- ۶- تأسیس کتابخانه‌ها و قراوت خانه دولتی و عمومی در سراسر کشور .
- ۷- ایجاد فرهنگستان علوم ایران و گسترش موسسات پژوهشی و فراهم آوردن شرایط مساعد برای کارمندان دانشمندان .

ورزش :

- ۱- لغو هرگونه ممنوعیت و تنعیش جنسی و مذهبی در ورزش .
- ۲- تأمین وسائل و امکانات ورزشی برای همه مردم و بویژه برای جوانان .
- ۳- ایجاد باشگاههای ورزشی برای رشته‌های مختلف ورزشی با اولویت مناطق کارگری و روستایی .

فصل هفتم

در راه تحقیق ایمن برنامۀ

ما زمان مدائیان خلق ایران (اکثریت) به مثابه‌ما زمان سیاسی طبقه کارگر، ما نفع، خواستها و آماجهای طبقه کارگر ایران را در قالب این برنامه تنظیم و در تحقق آن پیگیرانسه مبارزه می‌کنند. این سند برنامه‌ای در عین حال بی‌تکرار و خواهشهای فدا میریالیستی و دمکراتیک توده‌های میلیونی کارگران، دهقانان، خردده‌سورزواری و روشنفکران خلقی است .

ما زمان ما همه پیروان سوسیالیسم علمی را به وحدت در حزب واحد حول این برنامه‌کسه برنامه حزب طبقه کارگر ایران است . برای می‌خوانند .

ما زمان ارکلیه نیروهای مترقی جامعه دعوت می‌کند که در حول برنامه حاکمیت انقلابی خلق گرد آمده و برای تحقق آن متحدان مبارزه کنند. در عین حال ما زمان از هر جنبشی که مخالف نظم موجود بوده و در راه تحقیق تمام با قسمتی از برنامه حاکمیت انقلابی خلق مبارزه می‌کند، پشتیبانی می‌نماید .

ما زمان مدائیان خلق ایران (اکثریت) برای استقرار حاکمیت انقلابی خلق و تحقق این برنامه، ما ده است با سایر نیروهای دمکراتیک کشور بر اساس پلاتفرم مشترکی که هدف آن سرنگونی رژیم ولایت فقیه (جمهوری اسلامی) و تحقق سی‌درک خواسته‌های توده‌های قیام‌کننده و در راه آنها استقرار موری صلح و آزادی و فراخواندن موری مجلس موسسان برای تأسیس و استقرار حاکمیت جدید است . در یک جنبه وسیع منحدر شود. در مرحله کمونی، ما رره در راه تشکیل این جنبه که هدف مشترک نیروهای آن، سرنگونی رژیم و تأمین صلح و آزادی است، و طبقه‌ای در یک ناپذیر است .

در صورت تشکیل چنین جنبه‌ای ما زمان تا تشکیل مجلس موسسان و در مجلس موسسان پیگیرانه از حاکمیت انقلابی خلق و از برنامه آن دفاع کرده و با تمام نیرو در راه استقرار آن بیکسار می‌کند .

مسئول کمیسیون برنامه - فرخ نگهدار

۱۳۶۶ آذرماه ۱۳۶۶